

ضربات جبهه‌ی مقاومت بر پیکر فرسوده و روبه‌زوال رژیم صهیونی کوبنده‌تر خواهد شد

حزب الله مستحکم

رهبر انقلاب: جنایتکاران صهیونیست بدانند که بسیار کوچک‌تر از آنند که به ساخت مستحکم حزب الله لبنان صدمه مهمی وارد

کنند

حملات روز جمعه به ضاحیه بیروت بی سابقه‌ترین و سنگین‌ترین حمله در جنگ لبنان بود که در آن‌ها حداقل چهار ساختمان چند طبقه‌ای با خاک یکسان شد. هدف حمله به مقر اصلی رهبری حزب الله و ترور سید حسن نصر الله بود؛ روشن است که این مکان از قبل لو رفته بود؛ اما اینکه این حمله بی سابقه در جریان حضور نتانیاهو در نیویورک انجام می‌شود و او هم فوراً نشست با خبرنگاران را ترک کرده است، نشان می‌دهد که حمله با قید فوریت پس از دریافت سریع اطلاعاتی مشخص و پس از گرفتن دستور از نتانیاهو انجام شده است. این اطلاعات یا درباره حضور شخص سید حسن نصر الله یا کادر رهبری حزب الله برای نشستی در مکان مورد نظر بوده است. اما این حمله را می‌توان تغییر کلیه قواعد درگیری با حزب الله به صورت کامل و سرآغاز جنگ تمام عیار دانست. به احتمال زیاد حزب الله پس از این حمله، دیگر خود را در قید و بند قواعد قبلی نداد و واکنش خود را بر این مبنا تنظیم کند.



عکس
روزنامه تجلی آفتاب
یکشنبه
۸ مهر ۱۴۰۳ • ۲۵ ربیع‌الاول ۱۴۴۶ • 29 September 2024
۸ صفحه • پنج هزار تومان • سال سوم • شماره چهارصد و سی و دو
www.asrghanoon.ir

اضمحلال و استیصال رژیم صهیونیستی



مشکلی که آمریکا در جهان دارد در واقع نابرابری دموکراسی در داخل و در خارج از کشور است به این معنا که آمریکایی‌ها به‌رغم اینکه مدعی دموکراسی واقعی در درون کشور خود هستند که فرض می‌گیریم چنین دموکراسی وجود دارد

۲

تصمیم‌مدبرانه



اکنون و پس از گذشت سال‌ها و وقوع عملیات تروریستی در لبنان، اهمیت تصمیم رهبر انقلاب آشکار می‌شود. افکار عمومی کم‌کم متوجه می‌شود که در آن زمان احتیاط ضروری بود و دشمن ممکن است از هر ابزاری برای عملیات تروریستی بهره‌برد

۴

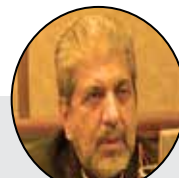
«زندگی» در «جنگ»؟



قلب‌ها به جای سینه، در گلو می‌تپد؛ نفس‌ها حبس شده و سکوت سخنگوی رسمی حزب‌الله، ما را به مرز سکته رسانده، اگرچه سکوت لازم است. در میان بمباران اخبار ضد و نقیض، شایعات و خبرهای هدایت‌شده، جز تماشا از کسی در ایران انگار کاری بر نمی‌آید

۳

دولت رقیب صنعت گردشگری نیست!



برای گردشگری ابتدا به زیر ساخت‌ها نیاز داریم و باید آن را آماده کنیم ولی متأسفانه زیر ساخت‌ها از سوی دولت آماده نیست و این مهم از سوی دولت اتفاق می‌افتد.

۵

امتداد یافتگی و امتداد باختگی



سالیانه چندین و چند جشنواره موضوعی نوعاً با حمایت نهادها و موسسات تاسیس می‌شوند و خاصه نویسندگان نو قلم و جویای نام را با پیشنهاد مشوق‌های مالی و معنوی با خود همراه می‌سازند.

۱

قطعیّت سیاسی، سازوکار ترکیبی



باید این پشت‌صحنه را آشکار و آشکارتر کرد و نشان داد که برخلاف تصور، این مسأله، درون‌خیز و خودجوش نیست و از بیرون، سازمان‌دهی و هدایت می‌شود.

۷

أعدکم بالنصر دائماً

نصر الله

اضمحلال واستیصال رژیم صهیونیستی

عبدالوهاب فراتی



دنیا نباید خطر انفجار پیچرها توسط اسرائیل را نادیده بگیرد
این کارشناس سیاسی بیان کرد: امروز دنیا نباید این خطر را نادیده بگیرد اگر قرار باشد نتانیاهو برای تداوم توحش و جنایت‌های جنگی خود به این سبک و سیاق پیش برود جهان باید شاهد صحنه‌های خونین و وحشتناکی از کشتن انسان‌های مظلوم در خاورمیانه باشد که به نظر من حتی برای تمدن غرب هم خطر آفرین است.

وی عنوان کرد: اما از زاویه دیگر وقتی به این حادثه توجه می‌کنیم متوجه می‌شویم که ضربات مقاومت آن چنان کاری بود که اسرائیل نتوانسته علیرغم ادعاهایی که دارد بر جنبش حماس غلبه کند و نتوانسته غزه را به اشغال خود در بیاورد و از طرفی دیگر هم در مقابل حملات لبنان به شمال اسرائیل ناتوان است. امروز اسرائیل برای فرار از این شکست‌ها و ناتوانی‌ها دست به عملیات وحشیگرانه ای مانند انفجار پیچرها می‌زند.

حمایت‌های ریزودرشت آمریکا از جنایت اسرائیل

فراتی در ادامه با اشاره به نقش آمریکا در جنایت‌های ریزودرشت اسرائیل، خاطر نشان کرد: پاسخ به این پرسش واضح است چراکه آمریکا به لحاظ مالی و تسلیحاتی علنا و مرتباً از اسرائیل در جنگ غزه حمایت می‌کند و اسرائیل خط قرمز آمریکا در خاورمیانه به شمار می‌رود.

وی تصریح کرد: حتی در همین حمله اخیر اسرائیل با انفجار پیچرها در لبنان بنا بر آنچه در اخبار رسمی آمد بیمارستان وابسته به دانشگاه آمریکایی بیروت یک هفته قبل از این حادثه اقدام به جمع‌آوری پیچرها خود کرده است. این مسئله نشان می‌دهد که آمریکایی‌ها از این حمله روزها قبل اطلاع داشتند و برای مصون نگه‌داشتن پرسنل خود در بیمارستان آمریکایی بیروت اقدام به جمع‌آوری پیچرها کرده‌اند.

اسرائیل بدون آمریکا توان درگیری در خاورمیانه را ندارد

این کارشناس سیاسی ادامه داد: بی‌تردید اگر آمریکایی‌ها از اسرائیل حمایت نکنند، مساعدت مالی به آن‌ها ندهند و تسلیحات پیشرفته نظامی آن‌ها را تأمین نکنند اسرائیلی‌ها توان درگیری درازمدت و حتی کوتاه‌مدت در خاورمیانه را ندارند.

وی ابراز داشت: مشکلی که آمریکا در جهان دارد در واقع نابرابری دموکراسی در داخل و در خارج از کشور است به این معنا که آمریکایی‌ها به‌رغم اینکه مدعی دموکراسی واقعی در درون کشور خود هستند که فرض می‌گیریم چنین دموکراسی وجود دارد اما چنین دموکراسی را در عرصه روابط بین‌الملل قبول ندارند و به اجرا در نمی‌آورند.

روابط آمریکا در منطقه به نفع اسرائیل است

فراتی افزود: شاهد بارز این تناقض در خاورمیانه رخ داده است و آمریکایی‌ها یک رابطه و یک برخورد برابر با کشورهای خاورمیانه ندارند و همیشه روابط آن‌ها به نفع اسرائیل است و در واقع از حالت تعادل خارج می‌کنند.

وی تأکید کرد: به‌محض اینکه حادثه‌ای در خاورمیانه اتفاق می‌افتد اگر جبهه مقاومت یا ایران بخواهد پاسخی بدهد اعلام می‌کنند پاسخ ندهید چون منطقه درگیر تنش گسترده و یک جنگ فرمانطقه‌ای می‌شود اما هیچ توصیه‌ای برای اتمام جنگ در غزه توسط اسرائیل انجام نمی‌دهند و این برخورد دوگانه نشان می‌دهد که آمریکایی‌ها در عرصه بین‌الملل اساساً اعتقادی به دموکراسی ندارند.

در گفتگو با پایگاه خبری تحلیلی فرهنگ نگار، دکتر عبدالوهاب فراتی عضو هیأت علمی گروه سیاست پژوهشگاه، با اشاره به انفجار پیچرها در لبنان توسط اسرائیل نشان استیصال و درماندگی رژیم صهیونیستی است، اظهار داشت: وقتی سر تیرت برخی روزنامه به‌ویژه روزنامه نیویورک تایمز را می‌خوانیم می‌بینیم به نقل از چهره‌های شاخص و تحلیلگران سیاسی به‌ویژه تحلیلگر اسرائیلی نوشته‌اند حملات اخیر این رژیم به دستگاه‌های ارتباطی در لبنان مصداقی از سردرگمی تل‌آویو است.

اسرائیل به لحاظ راهبردی سردرگم است

وی ادامه داد: از نظر نویسندگانی مثل پاتریک که در یک گزارشی از تحلیل این حوادث نوشت: اسرائیل گرچه از نظر حزب‌الله و از نظر حتی حامیان او از لحاظ فناوری قدرتمند و نسبت به جبهه مقاومت برتری دارد اما به لحاظ راهبردی سردرگم است و نمی‌داند در مقابل آنچه در لبنان و در غزه اتفاق می‌افتد چه کند، برای همین دست به فجع‌ترین جنایت‌ها می‌زند تا بدین گونه بخشی از اقتضای را که در غزه به بار آورده جبران کند.

عضو هیأت علمی گروه سیاست پژوهشگاه پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی افزود: گرچه اسرائیل به لحاظ جاسوسی و استفاده قدرتمند از توان نظامی و فناوری‌های جدید نسبت به جبهه مقاومت به‌ویژه حزب‌الله پیشروتر و قدرتمندتر است اما برای پیوند زدن این اقدامات به اهداف درازمدت دیپلماتیک و حتی ژئوپلیتیک به نظر می‌رسد که اسرائیل سردرگم است.

جنایت اخیر اسرائیل در لبنان نشان از استیصال این دولت است

وی بیان کرد: از این‌رو خیلی از کسانی که حمله به لبنان از طریق پیچرها رو دنبال می‌کنند معتقد هستند که این حمله نه‌تنها برگ برنده‌ای برای اسرائیل نیست و نمی‌تواند آن‌ها را به اهداف راهبردی خودش نزدیک کند بلکه نشان از اضمحلال یا استیصال این دولت است.

فراتی ادامه داد: به همین دلیل ما می‌توانیم از دو زاویه حمله اخیر به لبنان را بررسی کنیم؛ یکی از حیث فناوری که واقعاً جهان را تهدید می‌کند، از این به بعد اگر قرار باشد کشتن از طریق پیچرها، گوشی‌ها، باتری لپ‌تاپ‌ها و امثال وسایل ارتباطی اتفاق بیفتد هیچ‌کس در خانه خود امنیتی ندارد و هر لحظه ممکن گوشی یا پیچر یا لپ‌تاپ و حتی تلفن ثابت افراد جلوی صورتشان یا در دستشان منفجر شود که این بسیار رخداد خطرناکی است.

وی خاطر نشان کرد: همچنان که در دوران شیوع کرونا، جهان این بیماری را یک بیماری خطرناک دید و یکدست شد تا بیماری را محدود کند به نظر می‌رسد این حمله در واقع گشوده شدن یک صحنه جدیدی از نبرد است اساساً در آن از هیچ سلاح نظامی یا هوایمی جنگی استفاده نشده و به‌راحتی به‌اندازه چند لشکر از کشورها مصدوم و کشته خواهد گرفت.

راه و مکتب سید مقاومت
ادامه خواهد یافت

پیام حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای رهبر انقلاب اسلامی به مناسبت شهادت حجت‌الاسلام والمسلمین سیدحسین نصرالله دبیر کل شهید حزب‌الله لبنان

بسم الله الرحمن الرحيم
انا لله و انا اليه راجعون
ملت عزیز ایران
امت بزرگ اسلامی

مجاهد کبیر، پرچمدار مقاومت در منطقه، عالم بافضیلت دینی، و رهبر مدبر سیاسی، جناب سید حسن نصرالله رضوان‌الله‌علیه، در حوادث دیشب لبنان به فیض شهادت نائل آمد و به ملکوت پرواز کرد. سید عزیز مقاومت پاداش دهها سال جهاد فی سبیل الله و دشواریهای آن را در خلال یک پیکار مقدس دریافت کرد. در حالی شهید شد که سرگرم طرزحی برای دفاع از مردم بی‌پناه ضاحیهی بیروت و خانه‌های ویران‌شده و عزیزان پرپر شده‌ی آنان بود، همچنانکه دهها سال برای دفاع از مردم ستم‌دیدی فلسطین و شهر و روستای غصب‌شده و خانه‌های تخریب‌شده و عزیزان قتل‌عام‌شده‌ی آنان طرزحی و تدبیر و جهاد کرده بود. فیض شهادت پس از اینهمه مجاهدت حق مسلم او بود.

دنیای اسلام، شخصیتی با عظمت را؛ و جبهه‌ی مقاومت پرچمداری برجسته را، و حزب الله لبنان رهبری کم‌نظیر را از دست داد، ولی برکات تدبیر و جهاد چند ده ساله‌ی او هرگز از دست نخواهد رفت. اساسی که او در لبنان پایه‌گذاری کرد و به دیگر مراکز مقاومت، جهت بخشید، با فقدان او نه تنها از میان نخواهد رفت، که به برکت خون او و دیگر شهیدان این حادثه استحکام بیشتر خواهد یافت. ضربات جبهه‌ی مقاومت بر پیکر فرسوده و رو به زوال رژیم صهیونی، بحول و قوه‌ی الهی کوبنده‌تر خواهد شد. ذات پلید رژیم صهیونی در این حادثه، به پیروزی دست نیافته است.

سید مقاومت، یک شخص نبود، یک راه و یک مکتب بود، و این راه همچنان ادامه خواهد یافت. خون شهید سید عباس موسوی بر زمین نماند، خون شهید سید حسن هم بر زمین نخواهد ماند.

اینجانب به همسر گرامی سید عزیز که پیش از او فرزندش سید هادی را نیز در راه خدا داده، و به فرزندان گرامیش و به خانواده‌های شهیدان این حادثه و به یکایک افراد حزب الله و به مردم عزیز و مقامات عالی‌ی لبنان، و به سراسر جبهه‌ی مقاومت، و به مجموع امت اسلامی، شهادت نصرالله بزرگ و یاران شهیدش را تبریک و تسلیت عرض می‌کنم و در ایران اسلامی پنج روز عزای عمومی اعلام مینمایم. خداوند آنان را با اولیانش محشور فرماید.

والسلام علی عبادالله الصالحین
سید علی خامنه‌ای
۱۴۰۳/۰۷/۰۷

تحریف در کمین است...

ملت بزرگ ایران در طول هشت سال دفاع مقدس، با توکل بر خداوند، اتحاد، فداکاری و در سایه رهبری عالمانه امام راحل، اجازه جدایی یک وجب از خاک کشور را نداد و در مقابل هجمه سنگین دو ابرقدرت شرق و غرب از اصول انقلابی خود عقب‌نشینی نکرد. نظام اسلامی در پایان این هشت سال بسیار قوی‌تر و تواناتر از قبل به یک قدرت و الگوی ضد استکباری در منطقه و جهان تبدیل شد. در حالی که تاریخ گواهی می‌دهد ایران در دوره قاجار و پهلوی در همه جنگ‌ها با شکست و حقارت روبه‌رو شده است. حتی در جریان جنگ‌های جهانی اول و دوم با وجود اعلام بی‌طرفی، مورد تجاوز و اشغال کشورهای بیگانه قرار گرفت. رهبر معظم انقلاب اسلامی در سال ۱۳۹۹ فرمودند: «دفاع مقدس ملت ایران از دو خطر «فراموشی» و «تحریف» مصون نیست. دست تحریف، این بخش پُردرخش تاریخ ما را ممکن است مخدوش کند.»

اهداف دشمن از تحریف دفاع مقدس عبارتند از:

۱. تخریب رهبران انقلاب اسلامی و معرفی آنان به عنوان افراد رادیکال، فاقد دانش نظامی و توان فرماندهی.
۲. اعتبارزدایی از توان دفاعی کشور
۳. بی‌اعتبارسازی فرماندهان دفاع مقدس در نزد افکار عمومی.
۴. ایجاد تنفر در افکار عمومی نسبت به آن دوران پرافتخار.
۵. جلوگیری از انتقال فرهنگ دفاع مقدس به نسل جوان.

اما توصیه رهبر حکیم انقلاب برای ناکام گذاشتن توطنه دشمنان چیست؟

۱. زندگینامه و سبک زندگی شهدا را تبیین کنید. «ما زندگی شهیدان را، سبک زندگی شهیدان را، برای جوان‌هایمان، برای نسل‌های رو به آینده‌مان تصویر کنیم»
۲. خاطرات جنگ را زنده کنید. در نگاه رهبر معظم انقلاب خاطرات دوران جنگ یک «ثروت ملی» است. باید این ثروت را استخراج کرد و به شکل مطلوب از آن بهره برد.
۳. یادواره‌های شهدا را جدی بگیرید. «هر یادواره‌ای که شما به وجود می‌آورید، یک تأثیر اساسی در یک جمع کثیری می‌گذارد.»
۴. از ظرفیت راهیان نور استفاده کنید. رهبر حکیم انقلاب با تأکید بر این بستر مساعد و عظیم برای ترویج فرهنگ دفاع مقدس بر ضرورت گسترش و پیشرفت آن تأکید کرده‌اند.
۵. از هنر استفاده کنید. «قطعاً آثار باارزشی تولید شده است؛ اما در مقابل گنجینه عظیمی که در این دفاع هشت ساله به وسیله ملت ایران به وجود آمد، چیز کمی است.»

تحریف کتب آسمانی، تحریف غدیر، تحریف سیره پیامبر، تحریف دوران ستمشاهی، تحریف شخصیت امام راحل و... نشان‌دهنده آن است که دشمنان حقیقت در طول تاریخ همواره از تحریف برای رسیدن به امیال پلید خود بهره گرفته‌اند. مسئله دفاع مقدس یک پدیده عقلایی و یکی از عقلانی‌ترین حرکات ملت ایران بود و باید مراقب تحریف‌ها بود. لذا «این پیروزی را ما باید روایت کنیم. کار عده‌ای که به میدان جنگ رفتند دیگر تمام شد. پس از پایان کار آنها، کار یک خیل عظیم دیگری آغاز می‌شود، آن هشت سال جنگ بایستی تاریخ ما را تغذیه کند.»

راهکارهای تشکیل امت اسلامی

در برابر ظالم، اما امروز آیا مصداق اتم ظلم و ظالم آمریکا و صهیونیسم جهانی نیست؟!

حاکم شدن ارزش‌ها و دستورات اسلامی از جمله امر به معروف و نهی از منکر در بین امت اسلامی اقدام بعدی است. منظور از امر به معروف، یعنی امر به اسلام، نظام اسلامی و وحدت اسلامی، امر به اطاعت و پیروی از رهبری یکپارچه، امر به پرهیز از تفرقه است که خیلی مهم است. جزء سوم ساخت امت اسلامی اعتصاب به حبل‌الله و پرهیز از تفرقه است. جزء چهارم ساخت امت اسلامی مقابله با عقب‌ماندگی و تلاش برای پیشرفت مسلمانان است؛ هرگونه عقب‌ماندگی بین مسلمانان باعث می‌شود امت اسلامی شکل نگیرد. جهل، فقر، تبعیض، فساد و پیروی از نظام سلطه سبب می‌شود امت اسلامی شکل نگیرد. مناسبات طاغوتی حاکم در روابط امت اسلامی مانع از تشکیل امت

طبیقات با نفوذ و صاحب فکر، شعرا، نویسندگان و تحلیلگران سیاسی و اجتماعی است که این انگیزه را در دولت‌مداران ایجاد کنند. (۱۴۰۳/۰۶/۳۱)

سپس رهبر معظم انقلاب بحث موانع و دشمنان تشکیل امت اسلامی را مطرح کردند که آنها نمی‌خواهند این امت اسلامی تشکیل بشود. مبتنی بر پژوهش‌های زیادی که در این زمینه در سطح جهان اسلام کار شده است، می‌توان با الهام از خود قرآن کریم و روایات و سیره رسول‌الله (ص) به چند اقدام مهم به عنوان راهکارهای وحدت و تشکیل امت اسلامی اشاره کرد:

اول اینکه اهتمام به تحقق ایمان واقعی که در گرو تربیت صحیح اسلامی در بین امت اسلامی است. ایمان واقعی و حقیقی حداقل چهار جزء دارد که از پیروی اوامر الهی در امور شخصی تا مبارزه با طاغوت زمانه شروع می‌شود و ادامه دارد تا شکل‌گیری برادری اسلامی و پیروی از رهبری امت اسلامی و مقاومت و ایستادگی

کلیدی‌ترین سخن رهبر حکیم انقلاب در سالروز میلاد پیامبر رحمت در دیدار مسئولان نظام، سفرای کشورهای اسلامی و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی، ضرورت تشکیل امت اسلامی بود. البته این مطالبه همواره از سوی رهبران و مسئولان انقلاب اسلامی از بدو پیروزی تاکنون مطرح شده است؛ اما گردهم آمدن کشورهای اسلامی همواره با موانع و چالش‌های بسیاری مواجه بوده است. از این رو ایشان ضمن تعریف کلیدواژه «امت» به عنوان مجموعه‌ای که هماهنگ و با انگیزه به سمت یک هدف حرکت می‌کند، بر نقش خواص در شکل‌گیری امت اسلامی و وحدت دنیای اسلام تأکید کردند: «ما امروز نیازمند تشکیل امت اسلامی هستیم؛ یعنی باید دنبال این برویم. چه کسی می‌تواند در این زمینه کمک کند؟ دولت‌های اسلامی در این زمینه می‌توانند اثرگذار باشند، اما انگیزه آنها قوی نیست و این وظیفه خواص جهان اسلام یعنی سیاستمداران، علما، دانشمندان، دانشگاهیان،



اسلامی است و این مانع هم باید از بین برود.

تصمیم‌مدبرانه



عملیات تروریستی منفجر کردن پیجرها در لبنان باعث شهادت ده‌ها نفر و زخمی شدن هزاران نفر شد. به‌کارگیری یک ابزار غیرنظامی برای انجام عملیات تروریستی در این مقیاس انبوه، تقریباً بی‌سابقه است و فقط می‌توان آن را با حادثه ۱۱ سپتامبر مقایسه کرد: در آن زمان هم از هواپیمای مسافری برای انجام اقدام تروریستی استفاده شد.

وقوع این حادثه به‌رغم تلخی‌ها که ناشی از جابه‌جا شدن مرزهای تروریسم بود، عبرت‌انگیز است و لازم است توجه داشته باشیم که با دشمنی مواجه هستیم که از هر ابزاری برای آسیب زدن به ما استفاده می‌کند. نه فقط ابزار الکترونیک، بلکه هر وسیله دیگری که در زندگی روزمره به کار می‌بریم ممکن است از سوی رژیم‌های تروریستی برای انجام عملیات به کار گرفته شود. هیچ نظام اخلاقی‌ای وجود ندارد که دشمن را از اقدام تروریستی بازدارد؛ تنها هدف آنها، یافتن راهی برای اجرای عملیات تروریستی است.

این عملیات گسترده تروریستی که شهریور ۱۴۰۳ رخ داد، اهمیت یک تصمیم خطیر در دی‌ماه ۱۳۹۹ را برجسته‌تر می‌کند. در آن زمان دنیاگیری بیماری «کووید-۱۹»، مردم را دچار ترس و وحشت کرده بود و همه به دنبال راهی برای رهایی از این بیماری بودند. در آذر ۱۳۹۹ سازمان غذا و داروی آمریکا، مجوز استفاده اضطراری از واکسن کرونای تولید شرکت فایزر را صادر کرد. همزمان، برخی کشورهای دیگر اروپایی و نیز چین و روسیه توانستند واکسن کرونای بسازند. در سایه وحشت ناشی از تلفات بیماری «کووید-۱۹»، تقاضای عمومی برای دریافت واکسن افزایش یافت و در این فضای هیجانی، اعلام شد بزودی ۱۵۰ هزار دوز واکسن فایزر به ایران اهدا می‌شود.

در آن زمان برخی کارشناسان نسبت به اقدامات تروریستی از طریق واکسن هشدار دادند. این واکسن‌ها در فضای هیجانی و ترس عمومی نمی‌توانستند مراحل آزمایش و بررسی‌های کافی را طی کنند، بنابراین ممکن بود به صورت عامدانه حاوی برخی

عوامل موثر برای آسیب زدن به مردم باشند. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی طی گزارشی اعلام کرد که دریافت و تزریق این واکسن‌های آمریکایی می‌تواند خطرآفرین باشد. با توجه به شواهد و قرائن، لازم بود وزارت بهداشت و دولت، با شجاعت وارد میدان شوند و صراحتاً با دلایل منطقی و علمی به مردم بگویند که تاکنون اطمینان لازم به این واکسن‌های آمریکایی حاصل نشده، بنابراین دریافت و توزیع آنها به صلاح نیست اما احتمالاً تحت تأثیر فشار رسانه‌ای و ترس از واکنش عمومی مردم، رئیس‌جمهور روحانی و وزیر بهداشت دکتر نمکی حاضر نشدند در این زمینه سخنی بگویند. در این وضعیت بود که رهبر انقلاب اسلامی وارد میدان شدند.

رهبر معظم انقلاب اسلامی در ۱۹ دی، ضمن یک سخنرانی عمومی، تأکید کردند که دولت باید از منابع مطمئن واکسن تهیه کند. واکسن‌های آمریکایی، انگلیسی و فرانسوی به دلیل سابقه دشمنی آنها با مردم ایران، قابل اعتماد نیست و اجازه واردات ندارد. سخنان رهبر انقلاب، موجی از هجمه‌ها را در شبکه‌های اجتماعی به دنبال داشت. کاربران ضدانقلاب و رسانه‌های فارسی‌زبان، این تصمیم را ناشی از دلایل ایدئولوژیک توصیف و چنین القا می‌کردند که مردم، توسط حکومت گروگان گرفته شده‌اند! چون جمهوری اسلامی با آمریکا و انگلیس اختلاف سیاسی دارد، اجازه واردات واکسن آنها را نمی‌دهد! در حالی که این تصمیم، مبتنی بر بررسی‌های کارشناسی بود. این تصمیم دقیقاً برای حفاظت از جان و سلامتی مردم ایران گرفته شده بود و رسانه‌های بیگانه و کاربران ضدانقلاب موضوع را کاملاً برعکس جلوه می‌دادند.

لازم به یادآوری است که جست‌وجو برای واردات واکسن از منابع مطمئن در بهمن ۱۳۹۹ به ثمر نشست و نخستین محموله واکسن وارد ایران شد. پس از تغییر دولت، این تلاش‌ها افزایش یافت و در همان اوایل دولت شهید رئیسی واکسیناسیون عمومی تحقق یافت.

اما سخن این است که تصمیم برای جلوگیری از ورود واکسن فایزر در آن زمان عاقلانه و صحیح بود. علاوه بر دلایلی که در گزارش‌های کارشناسی بیان شده، برخی موارد آشکار هم وجود داشت که بدگمانی به محموله اهدایی واکسن فایزر را افزایش می‌داد:

۱- مقامات آمریکایی با شعار اول آمریکایی‌ها (Americans first) تأکید کردند تا زمان واکسیناسیون شهروندان این کشور، شرکت فایزر و سایر شرکت‌های تأمین‌کننده واکسن، حق صادرات واکسن کرونا را ندارند. بر این اساس آمریکا تا مرداد سال ۱۴۰۰ حتی به کشورهای متحد خود صادرات گسترده

کنیم که تاوان خون سید مقاومت باشد!

اسوم. لیبرال‌های داخلی برای این‌که زمینه اجتماعی را برای بی‌واکنشی ایران فراهم کنند، تعبیر «تله جنگ» را تدارک دیده‌اند و به جامعه القا می‌کنند که توافقی و سکوت، بهتر از غلتیدن در معرکه جنگ است. اینان بیش از آن‌که با مردم سخن بگویند، گرای تهاجم بیشتر به دشمن می‌دهند که پیشتر بیاید و از احتمال واکنش متقابل، خیالش آسوده باشد. این امر، خیانت آشکار و مساعدت به دشمن است. هیچ‌گاه هراس و خوف

ما از جنگ، پایان‌بخش زنجیره رویدادها نیست، بلکه به طرف مقابل، جسارت و شجاعت تعدی می‌بخشد و او را ترغیب می‌کند که بر حلقه‌های زنجیره پیشروی‌اش بیفزاید. هراس ما از جنگ، طرف مقابل را از جنگ، منصرف نمی‌کند. تاریخ پسانقلاب نشان می‌دهد که دوره‌های حاکمیت میانه‌روها، با فزونی فشارها و تحمیل‌ها و تعدی‌ها همراه است؛ آنان که گفتگو و مذاکره با عالم تجدد را اصل می‌انگارند و می‌خواهند سایه جنگ را از سر ایران بردارند، بر حرص و ولع جنگ در طرف مقابل می‌افزایند و او را جسورتر و بی‌پروا تر می‌کنند. «خط سازش»، جاده‌صاف‌کن پیشروی دشمن است؛ چون از درمماندگی و عجز و انفعال و خوف ما حکایت می‌کند. و «خط مقاومت»، رعب و وحشت در دل دشمن می‌افکند و او را متوقف می‌سازد. آنان که ایدئولوژی مقاومت را به معنی نابودی ایران تفسیر می‌کردند و مردم را از آن پرهیز می‌دادند، امروز به نتایج سازش بنگرند.

چهارم. ما از «جنگ» نمی‌هراسیم؛ ما هیچ‌گاه در برابر اسرائیل،

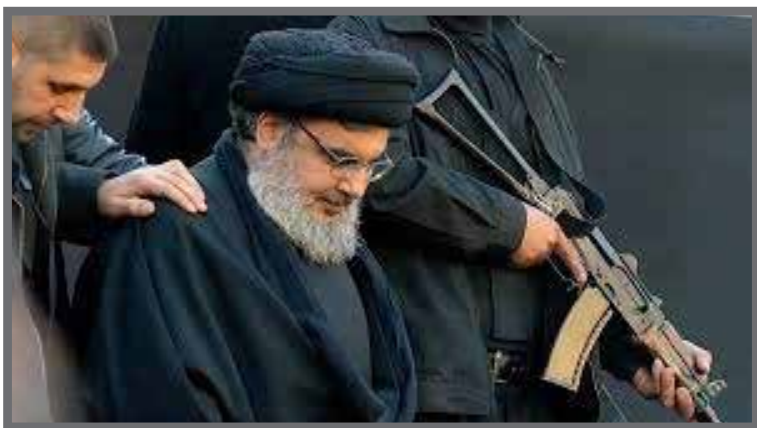
واکسن نداشت. در این وضعیت چرا آمریکا باید اجازه دهد که در دی ۱۳۹۹ به ایران واکسن فایزر بدهند؟ این شک‌برانگیز نیست؟

۲- رئیس بانک مرکزی وقت، جناب آقای عبدالناصر همتی در ۱۶ دی ۱۳۹۹ اعلام کرد که پیش‌پرداخت خرید ۱۶ میلیون و ۸۰۰ هزار دوز واکسن به حساب کارگزار سازمان بهداشت جهانی واریز شده است. دولت ایران پیش از بسیاری از کشورها برای دریافت سهمیه واکسن اقدام کرده بود. با این حال به گفته رئیس‌جمهور روحانی، با کارشکنی آمریکا، سهمیه واکسن ایران سوخت و ایران نتوانست حتی به واکسن‌های غیرآمریکایی دسترسی یابد. چه شده بود که آمریکا با چنین خصومتی، حاضر شده بود به ایران واکسن فایزر بدهد؟

۳- در خرداد ۱۴۰۰ وزارت خزانه‌داری آمریکا تأیید کرد که تحریم‌های این کشور باعث شده دسترسی ایران به اقلام مرتبط با مہار بیماری «کووید-۱۹» دشوار شود. یعنی ایران برای خرید ماسک و... هم با مانع تحریم‌های آمریکایی مواجه بود. با این سخت‌گیری، آیا طبیعی بود که دولت آمریکا در چرخشی ناگهانی تحریم‌ها را نادیده گرفته و اجازه دهد واکسن فایزر به ایران صادر شود؟

۴- منشأ واردات واکسن فایزر به ایران نامشخص بود. در خبرها اعلام شد برخی خیرین ساکن آمریکا، ۱۵۰ هزار دوز واکسن فایزر تهیه کرده‌اند و آماده ارسال به ایران است! احتمالاً برای جلوگیری از ریا، نام این نهاد‌های خیریه و این اشخاص نیکوکار هم اعلام نشد! اکنون که در قضیه عملیات تروریستی در لبنان به جایگاه برخی شرکت‌های واسطه، در آلوده کردن پیجرها به مواد منفجره اشاره می‌شود، می‌توان به نقش نهاد‌های واسطه‌ای که ظاهراً واکسن‌های فایزر را خریداری و برای ارسال به ایران آماده می‌کردند پی برد. این شرکت‌های گمنام، به راحتی می‌توانستند کالاهای سالم را مطابق خواست و اهداف خود دستکاری کنند. تصمیم رهبر انقلاب اسلامی مبنی بر ممنوعیت واردات

واکسن‌های آمریکایی و انگلیسی، عالمانه و شجاعانه بود و وقایع لبنان نشان می‌دهد غفلت از روش‌های گوناگونی که تروریست‌ها به دنبال ضربه زدن به مردم هستند چه فجایی به بار می‌آورد. اکنون و پس از گذشت سال‌ها و وقوع عملیات تروریستی در لبنان، اهمیت تصمیم رهبر انقلاب آشکار می‌شود. افکار عمومی کم‌کم متوجه می‌شود که در آن زمان احتیاط ضروری بود و دشمن ممکن است از هر ابزاری برای عملیات تروریستی بهره ببرد: واکسن کرونا، پیجر یا هر چیز دیگر.



پرچم سفید در دست نخواهیم گرفت و به چیزی کمتر از «نابودی اسرائیل»، رضایت نخواهیم داد. حتی اگر اسرائیل به سراغ ما نیاید، ما به سراغ او خواهیم رفت و جانش را خواهیم ستاند. ما بازسازی عظمت و عزت امت اسلامی را در سایه جنگ می‌جوئیم و می‌دانیم که هیچ طرح استعماری‌ای - و از جمله اسرائیل - بدون جنگ، برچیده نخواهد شد. جنگ، آغازگاه تمدن اسلامی است؛ معادلات کنونی، جز با مواجهه‌ای که رنگ خون دارند، برچیده نخواهند شد. این شهادت است که افق تاریخی جدید را خواهد گشود و شهادت، فرع بر جنگ است. اهل شرف و ایمان و تعهد، در ستایش جنگ برای خدا گفته‌اند؛ و فراتر از همه، علی - علیه‌السلام - در نهج‌البلاغه، ما امتداد هویتی شهدای دفاع مقدس هستیم و طالب پیوستن به آنها، ما رسم شهادت را به تاریخ نسیب‌دهیم و دل به دنیا نبسته‌ایم. ما وعده‌خیمی کبیر را باور داریم که در پس این نبرد عظیم، فردای قدسی تاریخ از راه خواهد رسید. ما آماده‌اعزام هستیم؛ ما اصحاب جنگ برای خدا هستیم.



«زندگی» در «جنگ»؟

محمدمحمدی‌نیا

قلب‌ها به‌جای سینه، در گلو می‌تپد؛ نفس‌ها حبس شده و سکوت سخنگوی رسمی حزب‌الله، ما را به مرز سکنه رسانده، اگرچه سکوت لازم است. در میان بمباران اخبار ضد و نقیض، شایعات و خبرهای هدایت‌شده، جز تماشا از کسی در ایران انگار کاری بر نمی‌آید. این جنگ است که خود را بر پا کرده. ما انتخابش نکردیم، اما چگونه ما به تماشاچی تبدیل شدیم؟

مفهوم جهاد، در وهله نخست، مفهومی به‌معنای نوعی زندگی است. با مفهوم «قتال» یا «حرب» فرق می‌کند. جهاد، ابدی است، چون زندگی کردن همواره جاری است و جهاد کردن یعنی نوعی زندگی کردن اختیاری. می‌توانیم انتخاب کنیم که جور دیگری زندگی کنیم. عاشورا به ما می‌آموزد که آن جور دیگر، «وهمی از زندگی» و نوعی مرده‌ی متحرک است

سال ۱۳۵۹ شمسی (و حتی قبل‌تر) رژیم بعثی عراق به تمامیت و خاک ما تجاوز کرد. جنگ («قتال» یا «حرب») بر پا شد. تمام هشت سال و هزینه‌های جبران‌ناپذیر شهادت فرزندان ایران را با یک نظریه توضیح دادیم: «دفاع در برابر متجاوز و مقاومت در برابر اراده‌ی طاغوت».

امروز آن نظریه در ایران، کار نمی‌کند. یعنی درست کار نمی‌کند. علل گوناگونی هست. برشردن و تفسیر علت‌های آن، تلاشی مستقل و البته دشوار می‌خواهد. یکی از آنها، طرز تلقی ما از شهر اسلام و فروکاستن آن به معنای محدود جغرافیایی خاکی و زمینی است.

به‌نظر می‌رسد تصمیم کلان در ایران این است: در عوض «جنگ یکبار برای همیشه» (راهبرد کنونی رژیم صهیونیستی) «صفر کردن تنش‌ها از طریق جنگ فرسایشی» را انتخاب کنیم. این انتخاب آن‌چنان که برخی تحلیل‌نویسان می‌گویند، انتخابی هم نیست.

ارسال سلاح به روسیه (وسط تنش اوکراین) با شیپور، برای ناتو، اعلام جنگ به اروپا تلقی شده. نقش آفرینی ما در موضوع ارمنستان، زمینه‌های عبور راه ابریشم از راهگذر ارس ایران را تقریباً منتفی کرده و بازیگران اصلی این مناقشه‌ی بزرگ در قفقاز، منافع برای تأمین منافع ایران تعریف نکرده‌اند. افزایش سطح غنی‌سازی هسته‌ای، پیام دیگری به ناتو و آمریکا ارسال کرده است. تحلیل رفتار و گفتار دولت مسعود پزشکیان بی‌سابقه‌ترین پیام ضعف و عقب‌نشینی را مخابره می‌کند. بنیان و مسببان این حالت «الاضطرار بالاخترار» باید به‌صورت روشن توضیح دهند. حداقل از باب تبیین و توضیح.

نیروها و مناسبات تولید و توزیع و اقتصاد سیاسی مسلط بر ایران امروز، صورتی از زندگی را شکل داده که با جهاد به‌معنای «نوعی زندگی کردن» سازگاری کمی دارد. آموزش و پرورش (چه مدرسه‌ای چه آکادمیک) از همیشه، محافظه‌کارتر و نمایشی‌تر شده است. از همه مهم‌تر، علم در ایران، در افول و رخوت است. نهاد علم، موجودی زنده است، قبض و بسط، تپش و سکنه و قدرت و ضعف دارد. بنیاد وضع کنونی زندگی در ایران به علم بازمی‌گردد.

چگونه تماشاچی صرف نباشیم؟ به‌سادگی نمی‌توان از این وضع رها شد. علم در سیاست، به‌زبان سیاست ترجمه می‌شود. اینکه عموم مردم از ایده‌ی مستتر در پیام قطعه‌نامه (امام خمینی، مرداد ۱۳۶۶)، به دو دسته ۱. بی‌تفاوت و ۲. تماشاچی نگران تبدیل شده‌اند، یک‌باره رخ نداده، یک‌باره هم متحول نمی‌شود:

«آنها که تصور می‌کنند مبارزه در راه استقلال و آزادی مستضعفان جهان با سرمایه‌داری و رفاه‌طلبی منافات ندارد، با الفبای مبارزه بیگانه‌اند. بحث دنیاخواهی و آخرت‌جویی دو مقوله‌ای است که هرگز با هم جمع نمی‌شوند... جنگ ما جغرافیا و مرز نمی‌شناسد»

جمهوری اسلامی بسیار جوان است و تازه، قدم در راهی گذاشته که بسیاری ملت‌ها در رویا هم ندیده‌اند. هنوز دیر نشده است.

پیروز میدان چه کسی است



و لبنان و کرانه باختری، سبک ترورها نشان میداد و محتاج این است که نشان دهد قدرتمند است، چون زدن هنیه مثلا برای او ضرر بیشتری داشت.

هنیه میتوانست مذاکرات آتش بس را به جایی برساند، پس از او یحیی سنوار انتخاب شد و این نشانه خوبی برای اسرائیل نبود، حزب الله ضربه دردناک دیگری به اسرائیل زد، او که پیش از این فیلم های پهنادهای شناسایی اش بر فراز حيفا و تل آویو را پخش کرده بود، حالا با زدن پایگاه فوق سری و امنیتی اسرائیل در تل آویو ضربه دردناکی وارد آورد ضربه ای البته معنا دار. قدم بعدی را اینبار کرانه باختری برداشت، کشتن چند اسرائیلی در مرز اردن نشان میداد جبهه جدیدی که اسرائیل از آن میترسید باز شده، او مجبور بود در کرانه هم وارد جنگ شود، ضربه بعدی را یمن و موشک هایپرسونیکش وارد کرد، دوهزار کیلومتر از همه تجهیزات دفاعی آمریکایی و اروپایی و اسرائیلی گذشتن و به خاک اسرائیل خوردن معنای روشنی داشت.

یمن پیش از این نیز تل آویو را با پهپاد زده بود، حالا آن حلقه آتشین حول اسرائیل شعله می کشید، او امروز منتظر انتقام ایران هست، ایران گفته روش جدیدی را بنا است رو کنم، از سوی دیگر مشروعیت اسرائیل کاملا نابود شده روایتش و هژمونی اش از بین رفته، تنها و تنها به کمک آمریکا دوام آورده، انفجار پیجرها را در این چارچوب باید دید، حالا بدنه لبنان بیشتر از قبل با حزب الله همراه شده، اسرائیل به شدت نگران ضربه تلافی جویانه و قطعاً قوی تر حزب الله نیز هست، روزهای سخت تری برای اسرائیل در پیش است، این مسیر عملاً فلسفه وجودی اسرائیل را در منطقه برای حامیانش نابود میکند و او نخواهد توانست اهداف آمریکا و اروپا را در منطقه تامین کند و هزینه بودنش بسیار بیشتر از فایده آن خواهد بود و همه اینها یعنی منطقه در حال تغییر و تحول اساسی است برای زنده شدن هویت امت اسلام.

اتفاقات یک سال گذشته در منطقه را به جز نگاه مورد به مورد خوب است به صورت زنجیره ای و کلان هم بررسی کنیم، ماجرای طوفان الاقصی به اذعان طراحی کنندگانش پاسخی بود به ذره ذره بسته شدن راه نفس مردم غزه، کشتنشان، اسیر کردنشان، ترور هر روزه رهبران، از همه سخت تر توهین به همه مقدسات و هویتشان، آن هم مظلومانه و بدون اینکه کسی متوجه باشد. با این عملیات ورق برگشت، در این عملیات اطلاعاتی از اسرائیل کشف شد که نشان می داد اسرائیل برای کل منطقه چه در سر دارد و چگونه می خواهد همه فلسطینی ها را کوچ دهد به مصر و اردن، ضربه حماس نشان داد ضعف اطلاعاتی امنیتی و نظامی اسرائیل جدی است، این نتایج همان روزهای اول بود و البته هنوز هم جبران نشده و بعید هم هست در آینده قابل جبران باشد.

اما از این به بعد ماجرا جذاب تر بود هر چند پیروزی گام به گام جبهه مقاومت بر پایه مظلومیت و صبر غزه پیش می رفت، چرا که اسرائیل روی آورد به تخریب و جنایت و آدم کشی مردم عادی، هدفش هم این بود که نشان دهد هزینه این عملیات برای جبهه مقاومت بالا است، اما عملاً وضع سخت تری برایش ایجاد شد، کل دنیا حتی مردم و جوانان اروپا و آمریکا مقابلش قرار گرفتند، همه رسانه های قدرتمند دنیا که اصلاً علت بودنشان تظهير اسرائیل بود شکست خوردند، در داخل هم وضعیت بلبشوی جدی تری برایش ایجاد شد، مردم زیادی روزهای منمادی اعتراض کردند، او اما راهی جز جنایت نداشت و نمیتوانست انجام دهد. اول تلاش کرد ایران را وارد جنگ کند، ایران هوشمندانه با او مواجه شد، ایران سعی کرد تلاش های حقوقی و دیپلماتیک جدی را پیش ببرد و جبهه مقاومت را منسجم کند و امت اسلام را مقابل اسرائیل قرار دهد، اسرائیل سعی کرد حزب الله را به جنگ همه جانبه بکشد.

اما حزب الله هم هوشمندانه وارد جنگ شد، او روش گام به گام را پیش گرفت، به این ترتیب هم مردم لبنان را با خود همراه میکرد و هم بدنه نظامی اسرائیل را درگیر میکرد، یمن اما بعد از چند ماه اولین ضربه راهبردی را به اسرائیل زد او رگ حیات اقتصادی اسرائیل را بست، عملاً وضع اسرائیل هر روز سخت تر میشد، تا اینکه ایران بهانه ای پیدا کرد که هیمنه اسرائیل را نابود کند، عملیات وعده صادق به گونه ای طراحی شده بود که کاملاً این هدف را محقق میکرد، ضربه صدای بلندی داشت، دقیق و حرفه ای هم بود به هدف هم خورد، اسرائیل به سمت ترور رو آورد، چندین ترور در ایران



خانه عنکبوت

جوادکاشی

حماس نابود نشد. حزب الله هم به رغم آتش سنگین حملات اسرائیل (و شهادت سیدحسن نصرالله) نابود نخواهد شد. جنگ پایان خواهد یافت و اسرائیل با ننگ ناشی از کشتار دهها هزار زن و کودک بی گناه، به زندگی در ترس و مخاطره ادامه خواهد داد. با این همه تجربه یکسال گذشته نشان داد اسرائیل در حال حاضر از حمایت های گسترده ای برخوردار است و آنچه که حسن نصرالله تکرار می کرد «بیت عنکبوت» نیست.

با این همه عبارت «بیت عنکبوت» بسیار راه گشاست. به شرطی که همگان بپذیرند در خانه عنکبوت زندگی می کنند. اگر اسرائیل خانه عنکبوت است، حزب الله و حماس و سایر قدرت های دیگر این عالم نیز کم و بیش خانه عنکبوت اند. آنکه می داند در خانه عنکبوت زندگی می کند، به جای طرد دیگری، خود را نیازمند دیگری می یابد. آنگاه بستری برای همزیستی مسالمت آمیز وجود پیدا می کند. همزیستی خانه های عنکبوت سرشت سیاست ورزی و خرد سیاسی است. تنها کسی می تواند پایدارتر از دیگری زندگی کند که سرشت زندگی سیاسی را پیش چشم داشته باشد.

شرارت آدمیان به ناگزیر در عرصه سیاسی بمب و موشک و ابزار آلات جنگی را ضروری می کند. اما آنها توانایی حل دراز مدت هیچ مسأله ای را ندارند. قدرت تخریب گران اغواگرند. قیل از همه صاحبان شان را فریب می دهند. وقتی به زرادخانه های مملو از بمب و موشک نظر می کنند، با خود می گویند چه کسی توانایی نافرمانی خواهد داشت؟ آنکه مسلح به انبارهای سلاح و بمب است، خود را بی نیاز از به حساب آوردن دیگری، تفکر و شنیدن می یابد. اسرائیل بدون تردید یکی از مصادیق آن است.

اما همین انبارهاست که صاحبان شان را به تله می اندازند. مهارت افزون کردن انبارهای سلاح را جانشین مهارت حل مسأله می کنند. زبان های دیگر را فراموش می کنند و زبان شان جز به زور و خشونت و تحقیر دیگری نمی چرخد. آنها به تدریج تبدیل به همان سلاح هایی می شوند که صبح تا شام به آنها افتخار می کردند. به اشیاء خطرناک تبدیل می شوند.

جنگ اسرائیل با حماس و حزب الله، برای خونین نشان دادن قرن بیست و یکم کفایت می کند. اما این فاجعه بزرگ انسانی می تواند سرآغاز فصل تازه ای در این قرن باشد. به شرطی که همه خانه های قدرت باور کنند خانه های عنکبوت اند و برای بقا به دیگری نیازمندند. به جای آنکه پشت سر زرادخانه هاشان به راه بیافتند و خرد سیاسی را زائل کنند، زرادخانه هاشان را مملو از خرد سیاسی کنند و سلاح هاشان را برای روزی بگذارند که هر روز از آن می گیرند.

تکنولوژی آمریکایی عامل جنایت پیجری در لبنان

جعفرقنادباشی

مسلم هدف رژیم صهیونیستی از این حملات تضعیف روحیه نیروهای حزب الله لبنان و کاهش توان رزمی آنهاست. شاید مهمتر از هدف تضعیف روحیه رزمندگان حزب الله هدف تقویت روحیه ارتش خسته و ضعیف شده رژیم صهیونیستی در پشت پرده این حملات ناجوانمردانه باشد. بلکه سازمان های جاسوسی و اطلاعاتی آمریکا و این رژیم هستند که در تلاش اند تا به ارتش رژیم اسرائیل تنفس مصنوعی دهند تا این رژیم مرتکب جنایت های بیشتر شود.

این روزها ارتش رژیم صهیونیستی مخالف هرگونه عملیات نظامی است و می داند اگر جنگ با لبنان آغاز شود ارتش تلفات زیادی خواهد داد، پس نتایهاو این بار تصمیم گرفت از سپاه موساد و سازمان های دیگر جاسوسی این رژیم استفاده کند؛ سیاست تازه ای که به نیروهای ارتش نیازی ندارد. سران ارتش اسرائیل بارها و بارها اعلام کردند که ما توان عملیات جدید و ورود به عرصه لبنان را نداریم لذا مقامات آمریکا برنامه ریزی کردند که نهاد دیگری را برای انجام وظایف ارتش اسرائیل در نظر بگیرند که آن نهادها موساد و سپا بودند. در واقع این عملیات واگذاری وظایف ارتش اسرائیل به سازمان های اطلاعاتی آمریکا و اسرائیل بود و معنای دیگرش نوعی تنفس مصنوعی به ارتش اسرائیل است که حالا در دید جهانیان نه تنها توان عملیاتی و تهاجمی اش را از دست داده بلکه دیگر توان بازدارندگی اش هم به کلی از هم فروپاشیده است.

نباید این عملیات را در قالب توانمندی نظامی اسرائیل یا به معنای قدرت عملیات اسرائیل در قالب نظامی علیه لبنان دانست؛ بلکه این عملیات صرفاً یک عملیات اطلاعاتی جاسوسی امنیتی بود که در واقع نه به وسیله ارتش اسرائیل بلکه به وسیله موساد صورت گرفت و وظایف ارتش اسرائیل را این بار تکنولوژی آمریکایی انجام داد. طبیعی است که این عملیات نمی تواند تامین کننده اهداف اعلام شده آنها باشد چرا که در ۱۱ ماه گذشته انواع و اقسام اقدامات مختلف را برای تضعیف روحیه مردم لبنان انجام دادند. اما اطلاعاتی که از مردم لبنان در دست هست چه قبل از این عملیات سایبری و چه بعد از آن اتفاقاً نشانه تقویت روحیه مردم لبنان و حزب... و افزایش عزم آنها برای وارد کردن ضربه سنگین به رژیم صهیونیستی است و این بسیار اهمیت دارد. این عزم و اراده کاهش پیدا نمی کند و اسرائیلی ها نمی توانند به هدف دیگرشان که تقویت توان نظامی اسرائیل است دست پیدا کنند. چرا که بعد از حمله موشکی انصار... به تل آویو الان شهرک نشین های صهیونیست که عمدتاً خودشان از اعضای ارتش هستند از ایجاد یک فضای نرم به کلی ناامید شده اند و میل به خروج از اسرائیل به شدت افزایش پیدا کرده است. آمریکایی ها احساس کردند که اسرائیل در معرض فروپاشی است و باید علاوه بر تسلیحاتی و حمایت های سیاسی یک تنفس مصنوعی به اسرائیل بدهند تا آنها را قدرتمند نشان دهند؛ لذا این عملیات را با صرف هزینه های بسیار طراحی و انجام دادند. اما در نهایت اسرائیلی ها به اهداف مدنظر خود نخواهند رسید و این کارها از فروپاشی آنها جلوگیری نخواهد کرد.

جنگ در جبهه جنوب لبنان چگونه پایان خواهد یافت؟



خانه هایشان اعلام کرده است و این هدف را در قالب دیپلماتیک پیشنهاد به حزب الله مبنی بر جدا کردن درگیری در این جبهه با مسئله غزه ارائه کرده است. در حالی که این رژیم می داند حزب الله به راحتی پیوند جبهه لبنان را با غزه قطع نمی کند باید هدف واقعی این رژیم را چیزی دیگری دانست. شاید این مصرع سعدی که «فرقه در نیل چه اندیشه کند باران را» بهترین توصیف از وضعیت کنونی رژیم صهیونیستی باشد و هدف این رژیم اکنون چیزی جز تضعیف حزب الله در چارچوب یک طرح منطقه ای برای مقابله با ایران در منطقه نیست. سکوت سنگین تهران اما برای عده زیادی هنوز قابل فهم نیست. به هر حال جنگ آغاز شده و اکنون سوال این است که چگونه پایان می یابد؟ به نظر می رسد درحالی که جنگ ۲۰۰۶ در دریا و با هدف قرار گرفتن ناوچه اسرائیلی ساعر پایان یافت راه حل پایان این جنگ را باید در آسمان جستجو کرد. (اندیشگده راهبردی تبیین)

رژیم صهیونیستی با عدم دریافت پاسخ ترور اسماعیل هنیه برای برداشتن گام هایی فراتر به سوی جنگ تشجیع شده است و با تعبیر سکوت طولانی مدت ایران به لبنان برای در هم کوبیدن سریع توان حزب الله روی عدم تمایل ایران و حزب الله به جنگ فراگیر در جنوب لبنان و ترجیح دادن جنگ فرسایشی توسط آن ها حساب باز کرده است. در مقابل اما حزب الله جنگ فراگیر را آغاز شده می داند. جنگی که حزب الله به گفته شیخ نعیم قاسم راهبرد «تسویه حساب تمام عیار» را برای مقابله با آن اتخاذ کرده است. دیروز به ازای گسترش حملات رژیم صهیونیستی در جنوب لبنان، حيفا به عنوان قلب اقتصادی فلسطین اشغالی در دایره حملات حزب الله قرار گرفت و عملاً از مدار اقتصاد رژیم صهیونیستی خارج شد. حزب الله با عدم اعلام رسمی جنگ راه را برای کوتاه آمدن اسرائیل از گسترش جنگ باز گذاشت اما رژیم صهیونیستی امروز با تشدید حملات به دنبال منصرف کردن حزب الله از این معادله است.

اکنون دیگر مسئله این نیست که جنگ گسترده آغاز شده است یا خیر؟ مسئله این است که کدام طرف در پیگیری اهداف ترسیم شده مصمم تر خواهد بود و اهداف کدام طرف دست یافتنی تر است. نکته ای که در این جا باید به آن توجه داشت شکاف در اهداف اعلامی و اهداف واقعی رژیم صهیونیستی است. اگر اهداف اعلامی را ملاک قرار دهیم روشن است که اهداف رژیم همانند اهدافی که برای جنگ در غزه اعلام کرده بود دست یافتنی نیست. با این وجود رژیم صهیونیستی همواره مجموعه ای از اهداف اعلامی را به پوششی برای دست یابی به اهداف پنهان تبدیل می کند.

رژیم صهیونیستی هدف خود را دور کردن حزب الله از مرز و بازگرداندن امنیت در شمال فلسطین اشغالی برای بازگشت شهرکنشین ها به

پس از عملیات امنیتی انفجار پیجرها و بیسیم ها در لبنان، حمله هوایی به ضاحیه جنوبی بیروت که منجر به شهادت تعدادی از فرماندهان ارشد نظامی حزب الله شد و حملات اخیر رژیم صهیونیستی به لبنان و پاسخ های حزب الله و شهادت سیدحسن نصرالله سوال این است که آیا جنگ تمام عیار در جبهه جنوب لبنان و شمال فلسطین اشغالی آغاز شده است یا صرفاً شاهد یک موج جدید مقطعی در تغییر سطح تنش هستیم؟

پیش از پاسخ لازم است این درگیری و تنش ها را در بافت سیاسی و اهداف طرفین قرار داد. هدف حزب الله از روز نخست روشن بوده و فشار بر اسرائیل برای پایان دادن به جنگ در غزه عنوان شده است. سیدحسن نصرالله در نخستین سخنرانی خود پس از طوفان الاقصی با اعلام این که مقاومت غزه باید پیروز از این جنگ بیرون آید سطح درگیری حزب الله را به وضعیت میدان در غزه گره زد. در مقابل رژیم صهیونیستی با آگاهی از محدودیت های این رژیم برای جنگ همزمان در بیش از یک جبهه و با هدف تمرکز بر تحقق اهداف در غزه تاکنون از رویارویی تمام عیار با حزب الله اجتناب کرده بود.

در حالی که با امتناع رژیم صهیونیستی از آتش بس در غزه هدف حزب الله همچنان پابرجاست با گذشت نزدیک به یک سال از جنگ و بن بست رژیم در تحقق اهداف خود در غزه، این رژیم دیگر تداوم وضعیت موجود را به نفع خود نمی بیند، به ویژه که هر آتش بس احتمالی در غزه بدون تبدیل جبهه شمال به یک مسئله دوجانبه با حزب الله یا حداقل حل آن از موضع قدرت به عنوان بخشی از آتش بس غزه، به معنای تن دادن به یک معادله جدید در رابطه با محور مقاومت خواهد بود. در واقع بر خلاف این اظهارات که راه حل آرامش در جبهه شمال برای رژیم صهیونیستی پایان دادن به جنگ غزه است رژیم صهیونیستی راه حل بن بست غزه را در جنوب لبنان می بیند.

اهداف ژئوپلیتیکی روسیه از برگزاری مجمع اقتصادی شرق

توحید ورستان

در ۳ سپتامبر ۲۰۲۴ روسیه مجمع اقتصادی شرق (EEF) را برگزار کرد که یک چارچوب مهم برای توسعه اقتصاد خاور دور این کشور و گسترش همکاری‌های بین‌المللی در منطقه آسیا و اقیانوسیه است. در این راستا، روسیه در حال تقویت محور راهبردی شرقی ژئوپلیتیک خود است که برای توسعه سرزمین‌های شرقی آن ترسیم شده و رابطه آن با بازیگران مهم جنوب جهانی را تقویت می‌کند.

■ برنامه‌های مسکو برای توسعه خاور دور

بیشتر بحث‌ها و مذاکرات تجاری روسیه در سال ۲۰۲۴ بر روی تقویت اقدامات مشخص برای توسعه سرزمین‌های پهناور شرقی روسیه برنامه ریزی می‌کند. مقامات این کشور در حال اجرای یک برنامه گسترده برای تبدیل شرق دور به یکی از پویاترین مناطق روسیه هستند. در این راستا، زیرساخت‌های مختلف و برنامه‌های لجستیکی به طور فعال اجرا می‌شوند و بیش از ۲۸۵۰ پروژه سرمایه‌گذاری با ارزش کل ۸.۹ تریلیون روپل اجرا شده است. این منطقه یکی از پیشگامان صید ماهی و منابع زیستی دریایی و نیز چوب و منابع معدنی است. در سال‌های اخیر، تغییر جهت بسیاری از زنجیره‌های لجستیکی و تجاری به شرکای آسیایی، نقش و اهمیت خاور دور روسیه را افزایش داده است.

مجمع اقتصاد شرق به منظور شناسایی مشکلات کنونی و فرصت‌های محقق نشده و همچنین تقویت پتانسیل‌های توسعه خاور دور به این موضوعات می‌پردازد:

۱- کسب و کار موثر در منطقه، ۲- توسعه نظام آموزش و پرورش، ۳- معرفی مکانیزمی برای توسعه یکپارچه سرزمینی، ۴- حمایت از سیستم ترجیحی در زمینه‌های ساخت و ساز، صنعت و تولید، ۵- توسعه بخش کشاورزی، ماهیگیری و تولید مواد غذایی، ۶- اجرای استراتژی توسعه علمی و فناوری فدراسیون روسیه در منطقه، مصوب سال ۲۰۲۴ توسط رئیس جمهور این کشور، ۷- ایجاد پایگاه تعمیر کشتی و کشتی‌سازی با کیفیت بالا در خاور دور که برای تحریک رشد ماهیگیری و فرآوری غذاهای دریایی، افزایش تولید گاز و نفت دریایی طراحی شده است، ۸- اجرای پروژه ملی گردشگری و صنعت هتلداری که در چارچوب آن استراحتگاه‌های بزرگ جدیدی در پریموریه، کامچاتکا و دریاچه بایکال ساخته شده ۹- تامین نیازهای رو به رشد اقتصاد خاور دور به انرژی الکتریکی و تقویت ظرفیت آن در افق تا سال ۲۰۵۰.

همچنین، مهاجرت از خاور دور منجر به از دست رفتن هویت فرهنگی و تمدنی آن منطقه می‌شود. به منظور حفظ حاکمیت ملی و توسعه اقتصادی روسیه، توسعه و اجرای سازوکارهای

موثر برای رفاه مردم و ترغیب به افزایش جمعیت در منطقه حیاتی است. در عین حال، برنامه‌ریزی شده تا استراتژی‌های اشتغال متوازن و متمایز برای جمعیت دائمی و سیاست مهاجرت خارجی تقسیم‌بندی شده در خاور دور، همسو با اهداف امنیت ملی، رشد اقتصادی و تقویت حاکمیت کشور اجرا شود. این اقدامات شامل حمایت از خانواده‌های پرجمعیت و متخصصان جوان دارای فرزند، توسعه زیرساخت‌های شهری، حمایت از مناطق روستایی و غیره است.

موضوع مهم دیگر در تشدید رقابت ژئوپلیتیکی با غرب، اتصال لجستیکی روسیه با استفاده از کریدورهای حمل و نقل برای توسعه اقتصادی است. در این راستا، مجمع به چالش‌های حمل‌ونقل محموله روسیه و توسعه جایگزین‌های تأثیرگذار برای لجستیک روسیه مانند مسیر دریای شمال، کریدور شرقی، چالش‌ها و فرصت‌های جدید برای توسعه لجستیک کانتینری در روسیه پرداخت.

■ چین شریک راهبردی روسیه در خاور دور

مقامات روسیه با اختصاص بیشتر مجمع اقتصادی شرق به بحث در مورد جنبه‌های مختلف توسعه همکاری بین مسکو و پکن، توجه ویژه خود را به روابط با همسایه جنوبی خود در خاور دور نشان می‌دهند. در سال‌های اخیر، روابط تجاری و اقتصادی دوجانبه بین روسیه و چین گسترش یافته و رشد سریعی در تجارت دوجانبه، همکاری‌های سرمایه‌گذاری، فعال شدن روابط منطقه‌ای و فرامرزی ثبت شده است. در نشست اخیر نیز پتانسیل اقتصادی همکاری روسیه و چین در شرکت‌های کوچک و متوسط، همکاری روسیه و چین در صنعت خودرو، همکاری در حوزه دارو، توسعه تجارت با چین، همکاری روسیه و چین در مسیر کاهش انتشار کربن تا سال ۲۰۶۰ مورد مذاکره قرار گرفت.

■ حمایت مسکو از نظم جهانی چندقطبی

مقامات روسیه در سیاست خارجی خود همواره در راستای حمایت از نظم جهانی چندقطبی و همکاری با مراکز جدید جهانی با وزن سیاسی ادامه می‌دهد. با توجه به ریاست روسیه بر بریکس، مقامات مسکو به بررسی راه‌های تقویت این نهاد بین‌المللی تمرکز کردند. با وجود توجه ویژه به چین، مسکو از اهمیت تعمیق روابط با هند نمی‌کاهد. باید توجه داشت که هند دوست دیرینه روسیه، شریک تجاری، فرهنگی و سیاسی بوده و روابط قوی بین دو کشور در زمان شوروی ایجاد و اکنون به سطح جدیدی رسیده است.

امروزه، روسیه در حال تبدیل شدن به یکی از مهمترین شرکای تجاری هند است. به منظور افزایش بیشتر شاخص‌های



تجارت متقابل و همچنین توسعه همکاری‌های سرمایه‌گذاری، مجمع اقتصادی شرق میزبان میزگرد «روسیه-هند» بود که در آن شرکت کنندگان اهداف کلیدی همکاری در بخش‌های امیدوارکننده مانند همکاری‌های صنعتی، حمل و نقل و اتصال لجستیک، زیرساخت‌های مالی، توسعه ارتباطات لجستیکی بین هند و روسیه در چارچوب مرکز حمل و نقل بین‌المللی شمال-جنوب و اتصال بنادر ولادیوستوک-چنای را معرفی کردند. مسکو اهمیت زیادی برای مشارکت استراتژیک با آسه آن قائل است. در سال ۲۰۰۴، روسیه در چارچوب معاهده «بالی» به معاهده دوستی و همکاری در آسیای جنوب شرقی پیوست که پیش نیاز مهمی برای تعمیق مذاکرات با کشورهای عضو آسه آن شد. با توجه به پتانسیل‌های پویا و چندوجهی رو به رشد منطقه آسیا-اقیانوسیه، روسیه اولویت را به همکاری با آسه آن می‌دهد. برنامه‌های توسعه خاور دور و منطقه قطب شمال روسیه به تحقق پتانسیل همکاری با منطقه آسیا و اقیانوسیه بستگی دارد.

همچنین، توسعه روابط سودمند متقابل بین روسیه و کشورهای اوراسیای بزرگ، برای ایجاد یک مرکز جدید در جهان چند قطبی در حال ظهور است که منجر به بازسازی اساسی سیستم بین‌المللی می‌شود. تمرکز همه بزرگترین بازیگران جهان در این منطقه بوده که سهم بالایی در رشد اقتصادی جهانی دارد و مسیرهای حمل و نقل مهم از آن عبور می‌کنند که شامل منابع طبیعی قابل توجه، بیش از ۷۰ درصد جمعیت جهان، میراث فرهنگی منحصر به فرد و تمدن‌های باستانی است. در این مجمع، کارشناسان اوراسیای بزرگ چشم‌اندازهای ادغام در منطقه، جایگاه روسیه در مدل جدید سازماندهی فضای ژئواکونومیک، ایجاد مشارکت بزرگ اوراسیا (BEP)، نقش اتحادیه اقتصادی اوراسیا، سازمان همکاری شانگهای و آسه آن را تحلیل کردند.

در مجموع، مجمع اقتصادی شرق ۲۰۲۴ به وضوح نشان داد که پس از درگیری با شرکای سنتی سیاسی و اقتصادی در غرب، جهت‌گیری روسیه به سمت شرق به عنوان برادر استراتژی ژئوپلیتیکی روسیه در بلندمدت تثبیت می‌شود. اختلاف در روابط با اروپا و ایالات متحده در فرمول ژئوپلیتیک معروف هالفورد مکیندر می‌تواند: «هر کشوری که بر اوراسیا حکومت کند بر جهان مسلط است». در واقع، مسکو قصد دارد به همراه چین و هند معماری جدیدی از همکاری و امنیت در اوراسیای بزرگ را ایجاد کند. (اسپیشیل اوراسیا)

دولت رقیب صنعت گردشگری نیست!

سیدمجید حلاج زاده-کوچکی نژاد

سیدمجید حلاج زاده در برنامه گفتگوی اقتصادی با اشاره به این که دولت مردان باید سخن فعالان حوزه گردشگری را بشنوند و یا حداقل به حرف و سخن مقام معظم رهبری گوش فرا دهند، گفت: برای گردشگری ابتدا به زیرساخت‌ها نیاز داریم و باید آن را آماده کنیم ولی متأسفانه زیرساخت‌ها از سوی دولت آماده نیست و این مهم از سوی دولت اتفاق می‌افتد.

وی با اشاره به این که مردم عموماً وارد بوم گردی‌ها شده و کمتر وقت خود را در هتل‌ها می‌گذرانند، افزود: بخش خصوصی در جهت جذب گردشگر تلاش می‌کند و هیچ جاذبه‌ای را از سوی دولت شاهد نیستیم.

لذا اگر افرادی از خارج کشور وارد می‌شوند، از سوی بخش خصوصی دعوت شده‌اند و تا امروز حتی یک تیم از سوی دولت در خارج کشور اقدامی برای جذب گردشگر صورت نداده است و آژانس‌ها و شرکت‌های گردشگری این امر را اجرایی می‌کنند.

این کارشناس حوزه گردشگری به رادیو گفت‌وگو گفت: برخی لیدرهای گردشگری شرکت‌هایی را تاسیس کردند و به صورت قارچ گونه زیاد شده‌اند. برخی هم متحد شده و یک شرکت تاسیس کردند و امروز بسیار موفق هستند. گروهی دیگر موفق نبودند و گردشگری ما را به قهقرا بردند خاصه این که بخشی از آنها شرکتی کاغذی دارند و این رویه بسیار بد است.

حلاج زاده گفت: وقتی یک لیدر به صورت تک نفره وارد این حوزه می‌شود، توانمندی خوبی نخواهد داشت و بنده معتقدم باید کارگروهی را در این راستا شکل داد و خوراک در اختیار فعالان این حوزه بگذاریم تا به وضعیت کنونی گردشگری کمک شود.

وی اضافه کرد: گاه فعالان دولتی چوب لای چرخ صنعتگران گردشگری می‌گذارند تا کار خودشان در رتبه بالا دیده شود. دولت نباید با بخش خصوصی رقابت کند و باید دست به تعامل بزند و به بخش خصوصی کمک کند.

بخش خصوصی برای خود کار می‌کند و منافع آن را به جامعه و کل کشور می‌رساند ولی دولت صرفاً بحث سرزمینی و کشور



را در نظر دارد و در این راستا باید کمک کند تا بخش خصوصی ارتقا پیدا کند.

در ادامه کوچکی نژاد، عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس درباره اقتصاد گردشگری اظهار کرد: منتظر دریافت اساسنامه و شرح وظایف وزارتخانه گردشگری هستیم تا آن را به سمت اقتصاد گردشگری سوق دهیم.

وی با اشاره به مشکل کشور در زمینه سرمایه‌گذاری خارجی گفت: گردشگری بهترین فرصت برای جذب سرمایه خارجی است.

جلساتی نیز با وزیر امور خارجه برگزار کردیم و در حوزه رای اعتماد هم تأکید کردیم باید در جهت جذب سرمایه خارجی در زمینه گردشگری اقدام شود تا گردشگران از فضای خوب ایران استفاده کرده و بخشی از منابع خود را در کشورمان هزینه کنند.

کوچکی نژاد با ابراز تأسف از عدم توجه به اقتصاد گردشگری در حوزه وظایفی وزارتخانه‌های خارجه و گردشگری گفت: اقتصاد گردشگری شاید مهم‌تر از اقتصاد عادی باشد و مجلس هم تأکید کرده باید از ساختار وزارت خارجه و گردشگری بهره برداری شود.



صنعت به گل نشسته کشتی‌سازی

مهدی قربانیان

کشتی‌سازی به عنوان یکی از فعالیت‌های اقتصاد دریا است که در توسعه تجارت دریابرد نقش دارد و به علت اشتغال‌زایی بالا و روابط پیشینی گسترده با دیگر صنایع می‌تواند در توسعه استان‌ها و شهرستان‌های جنوب کشور نقش پیشران ایفا کند. اما مسئله تأمین مالی شرکت‌های کشتی‌سازی به عنوان مسئله ریشه‌ای صنعت کشتی‌سازی مطرح است.

اولین علت ایجاد مسئله برای تأمین مالی ساخت کشتی که در همه کشورهای دنیا وجود دارد هزینه‌های بالای ساخت کشتی است. در ایران به دلیل مشکلات تأمین وثایق و عدم پذیرش کشتی در حال ساخت به عنوان وثیقه از طرف بانک، شرکت‌های کشتیرانی داخلی را ناچار به خرید کشتی از شرکت‌های کشتی‌ساز خارجی کرده است.

علت دیگری که تأمین مالی کشتی‌سازی را به ویژه در ایران بیشتر از سایر کشورها با مسائلی مواجه کرده است؛ مسائل مربوط به تحریم‌های بانکی، جهش نرخ ارز و هزینه‌های بالای واردات قطعات و تجهیزات است. سهم هزینه‌های ساخت کشتی به این صورت است که ۵ درصد مربوط به طراحی و مهندسی کشتی، ۶۰ درصد مربوط به تأمین قطعات و تجهیزات کشتی و ۳۵ درصد هم مربوط به هزینه‌های ساخت می‌شود.

بنابراین بیشتر هزینه‌های ساخت کشتی در ایران مربوط به تأمین قطعات و تجهیزات است که به علت تحریم و تورم‌های بالا و طولانی مدت، به میزان سرمایه‌گذاری بیشتری به نسبت هزینه ساخت کشتی در دیگر کشورها نیاز است. به عنوان نمونه شرکت کشتی‌سازی ایزوایکو ساخت کشتی ۱۰۵ را به مدت ۱۵ سال انجام داده است و یک شرکت آلمانی همان کشتی را به مدت ۵ سال به اتمام رسانده است.

سازمان بنادر و دریانوردی می‌تواند نقش قابل توجهی در صنعت کشتی‌سازی ایفا کند. این سازمان در گذشته، از روش مشارکت چهارجانبه بین سازنده کشتی، متقاضی کشتی، بانک عامل و سازمان بنادر و دریانوردی استفاده می‌کرد که وام‌های اعطا شده از این روش به نام وجوه اداره شده نیز شناخته می‌شود. استفاده گسترده و مجدد از وجوه اداره شده سازمان بنادر و دریانوردی می‌تواند موجب رونق صنعت کشتی‌سازی باشد.

بحران جمعیت بلای جان روسیه شده است

روسیه طی چندین سال درگیر بحران جمعیت بوده است که می‌تواند ساختار جامعه و اقتصاد را تغییر دهد.

دولت این کشور در حال استفاده از تمامی گزینه‌ها برای مقابله با بحران است.

پوتین بارها خواستار افزایش جمعیت روسیه شده و آن را وظیفه تاریخی روس‌ها خوانده است.

امتداد یافتگی و امتداد باختگی تجربه ادبیات دفاع مقدس

احمدشاکری



در تاریخچه ادبیات پس از پیروزی انقلاب اسلامی، پیدایی دوره ادبیات انقلاب اسلامی با گونه ادبیات دفاع مقدس گره خورده است. این واقعه آنچنان عمیق، ناب، پر ظرفیت و تاثیر گذار بود که از سویی نسلی از نویسندگان انقلاب اسلامی را در جریان تجربی و روایی خود پرورد و از سوی دیگر امتداد موضوعی خود را تا چند دهه پس از قبول قطعنامه ۵۹۸ بر ساحت ادبیات سایه افکن ساخت. اکنون می‌توان گفت پیشروترین گونه با تنوع نوعی، قالبی، رویکردی و شمارگان، عناوین، نویسندگان و ناشران، گونه ادبیات دفاع مقدس است. گرچه به واسطه دو ضلع محدودیت بخش شناخت موضوع و نحوه روایت از آن، نمی‌توان گفت این گونه در تعالی ترین و مطلوب ترین جایگاه خود قرار دارد. زیرا از یک سو، همچنان موضوعات و اعماق این واقعه به نحو کافی شناخته و استخراج نشده‌اند و از سوی دیگر، ظرفیت های انواع -خاصه ادبیات داستانی- در روایت این واقعه به تمامه شناخته و بکار گرفته نشده‌اند.

با این وجود، ادبیات دفاع مقدس - خاصه ادبیات داستانی دفاع مقدس- با میزان قابل توجهی اندوخته نظری و تجربه عملی در طول چهاردهه گذشته مواجه بوده است. سوالی که حرکت کنونی و آینده ادبیات دفاع مقدس را تایید و تضمین می‌کند شناخت جایگاهی است که در وضعیت موجود بدان دست یافته است. تجربه روایتگری چهار دهه، نقطه عزمیت چه حرکت گونه‌ای یا میان گونه‌ای در آینده ادبیات انقلاب اسلامی خواهد بود. روشن است که نا آگاهی نسبت به اندوخته پدید آمده در ادبیات دفاع مقدس با انکار حرکتی که از پیروزی انقلاب اسلامی آغاز شد می‌تواند موجب عقب گرد ادبیات انقلاب اسلامی و انقطاع حرکت متمدن جریان ادبیات انقلاب اسلامی شود. می‌توان فهرستی از عناصر و مولفه های ادبیات دفاع مقدس و گونه های دیگر را شماره کرد و نحوه امتداد ادبیات را از "این نقطه به" نقطه دیگر فرض کرد. نقاط مشترک را به عنوان حلقه های وصل و عناصر مشترک موتور پیشران و رابط میان آینده و حال در نظر گرفت و نقاط افتراق تاسیس یا بازسازی کرد.

ادبیات -خاصه ادبیات داستانی- امروزه در حرکتی بطئی و البته مستمر در حال توسعه دایره موضوعات خود است. این بدان

معنی است که موقعیت های جدید، اشخاص، رخدادها، جغرافیا، دوره زمانی و دغدغه های خود را در روایت بسط داده است. این البته امری گریز ناپذیر است. می‌شد از بدو شکل گیری ادبیات دفاع مقدس پیش بینی کرد با وجود تمام مزایای منحصر به فرد و غیر قابل انکار این واقعه تاریخ ساز، جریانهای ادبی به این موضوع بسنده نکرده، به موازات آن یا با انتخاب ژانرهای دیگر ادبی تجربه های جدیدی را برگزینند. موج گونه سازی و گونه گزینی به قصد جریان سازی در ذیل ادبیات انقلاب اسلامی نوعا با تاسیس جشنواره های ادبی و برگزاری کارگاههای موضوعی داستان نویسی همراه است. سالیانه چندین و چند جشنواره موضوعی نوعا با حمایت نهادها و موسسات تاسیس می‌شوند و خاصه نویسندگان نو قلم و جویای نام را با پیشنهاد مشوق های مالی و معنوی با خود همراه می‌سازند. آنچه این تنوع گرایی را به مسئله ای بیناگونه ای بدل می‌کند چگونگی ترابط گونه‌ها با یکدیگر و امتداد صوری و معنایی آنها در تجربه ای است که از کلیت آن به عنوان ادبیات انقلاب اسلامی یاد می‌کنیم.

آنچه در تقریبا تمامی این موج افرینی‌ها مشترک است، اکتفا به شناخت ضرورت های موضوعی از سوی متولیان امر است. این طیف که نوعا از جایگاه مجری و نه نظریه پرداز یا منتقد یا جریان شناس با ادبیات مواجه می‌شوند و دست به مسئله شناسی و پاسخ گزینی می‌زند بخشی از ظرفیت های ادبی کشور را به سمت گونه های خاص داستانی هدایت می‌کنند. نوعا مسئله گزینی ها از سنخ نگاه کمتی به ادبیات است و نه نگاه کیفی و عمقی. بدین معنی که چون درباره موضوعی "کمتز" داستان تولید شده است و با این پیش فرض که درباره دفاع مقدس آثار متعددی تولید شده "پس" باید برای تولید گونه های جدید در ادبیات ریل گذاری شود. ساحت این برنامه ها محدود به موضوعات نبوده، گاه به محدوده انواع و قوالب ادبی نیز ورود می‌کنند. چنانکه با طرح کم تاثیر بودن خاطره یا انباشت خاطره، ادبیات را به سمت قالب خاطره- داستان و زندگی نامه داستانی سوق می‌دهند.

خلاصا چنین برنامه ریزی‌هایی که جلوه فروشی های ادبی فراوانی دارند، فقدان مساله شناسی، فقدان پاسخ گزینی و فقدان تئوری لازم درباره امتداد ادبیات دفاع مقدس است. می‌توانیم برای فهم بیشتر این موضوع به چند دهه قبل بازگردیم. به زمانی که نسل داستان نویس پیش از انقلاب اسلامی ادبیات متعهد را بایکوت کرده و به امید زوال و شکست این ادبیات به نظاره نشسته بودند. آنچه موجب زایش ادبیات دفاع مقدس و به تبع آن ادبیات انقلاب اسلامی شد جدای از بینش والا و ایمان راسخ، متن و بطن تجربه دفاع مقدس بود. حضور و درک دفاع مقدس بود که نگاهها را به روایت از دفاع مقدس خیره ساخت و راویان و داستان نویسار را به سمت روایت از آن گسیل داشت. بنابراین



حرکت توتابیت المقدس ادامه خواهد داشت

ابراهیم حاتمی‌کیا

ابراهیم حاتمی‌کیا در پی شهادت سیدحسن نصرالله سوگنامه نوشت. در متن این کارگردان سینما آمده است:

«انا لله و انا الیه راجعون»

سید این احوال دو گانه را چه کنم؟! مگر جامه‌ای جز رخت شهادت بر تو زیننده بود. کاش سید، مقابلت نشسته بودم و متن سوگنامه را با خودت تمرین می‌کردم. مطمئن هستم هر بار جمله‌ای در وصف می‌نوشتم با آن گونه‌های سرخ و محجوب، می‌خندیدی و مرا خجالت زده می‌کردی.

سید، جگرم سوخت. باورش سخت است که لبنان بدون تو را تصور کنم. سید، بارها در لبنان به عشق دیدارت به انتظار نشستم و سهم دیدارت نصیبم نشد. سید، اربه فرعون را به بازی گرفته‌ام و فریاد می‌کشم صدا. دوربین، حرکت ولی عالم مجاز من کجا، عالم حقیقی تو و یارانت کجا. من مشغول قهرمان بازی مجاز بودم که خبر آمد سید حسن نصرالله رفت.

صدا و دوربین خاموش ولی حرکت تو تابیت المقدس ادامه خواهد داشت. اکنون من مانده‌ام و چشمان گریان آسیبه سلام الله که مقابل شکنجه فرعون برای دست کشیدن از حق منتظر است و او جز هم‌نشینی خدا چیزی نمی‌بیند. سید، این قوم فرعون به گواه تاریخ رفتنی‌اند ولی راه تو و مرام و نگاه مقاومت همچنان ماندنی خواهد بود.

من که حاضر نیستم تصویر انگشت اشاره ات که به سمت اسرائیل نشانه می‌رفتی را، لحظه‌ای از نظرم پاک کنم و بر پیکر پاره پاره‌ات نظر کنم. سید زنده است. راه مقاومت زنده است. /ایسنا

منزل قدیمی خالق قصه‌های

مجید «خانه قصه» می‌شود

عبدالمجید قدیریان-تقی زاده



عبدالمجید قدیریان، نقاش و مدیر هنری با حضور در برنامه «گفتگوی فرهنگی» در مورد بازنمایی مفهوم حماسه، دفاع مقدس و مقاومت در آینه هنرهای تجسمی بیان داشت: اکنون هنر انقلاب وظیفه دارد ریشه های انقلاب را بازخوانی فرهنگی کند و به تصویر بکشد و به دنبال حل مسئله نزول فرهنگی باشد. وی افزود: هنرمندان انقلابی یکی از گروه هایی هستند که برای جلوگیری از نزول فرهنگی می‌توانند وارد میدان شوند و اثرگذار باشند و با نگاه معرفتی و ساختاری خود راه حل‌هایی ارائه دهند.

هنرمند پیشرو انقلابی، باید خود را از زیر مجموعه سیاست بیرون بکشد

■ **مسئولان زمینه را برای فعالیت هنرمندان انقلابی فراهم کنند**
ناصر تقی زاده، سرهنگ بازنشسته ارتش، مدرس، نقاش و کارشناس هنرهای تجسمی نیز در این برنامه بیان داشت: برای اینکه هنر انقلاب و دفاع مقدس فراگیر باشد و نسل دوم و سوم را پیدا کند لازم است که مدیران و مسئولان فضا را برای حرکت هنرمندان بازکنند.

وی گفت: انتظار می‌رود مسئولان، از هنر هنرمندان انقلابی و متعهد استقبال کنند و این دست از هنرمندان را پرورش دهند و زمینه را برای کار کردن این هنرمندان باز کنند.

تقی‌زاده با اشاره به اینکه در دهه ۶۰ فعالیت های هنری در مسیر هنر انقلاب و دفاع مقدس انجام و نتایج خوبی گرفته شد ولی به مرور زمان این فعالیت ها کم شده و هنرمندان این عرصه پراکنده شده‌اند بیان داشت: متأسفانه اکنون آنگونه که باید در موضوع دفاع مقدس آثار شایسته‌ای که در گذشته ارائه می‌شد تولید و ارائه نمی‌شود.

این کارشناس هنرهای تجسمی اذعان داشت: هنرمند انقلابی باید در راستای حفظ ارزش های دفاع مقدس کار کند و وظیفه دارد تا زمانی که هست، با قلم خود راه شهیدان را ادامه دهد.

وی در ادامه با بیان اینکه هنر تجسمی در ذات انسانها قرار دارد و رشته هنری نیست که با علم و فناوری به وجود آمده باشد، بیان داشت: از زمانی که انسان خود را شناخته شروع به ترسیم نموده است و هنرهای تجسمی هنری است که باید با زمان پیش برود.

قدیریان با بیان اینکه انقلاب اسلامی یک انقلاب اجتماعی نبود و سیاسیون به مرور این انقلاب را اجتماعی کردند، تصریح کرد: انقلاب اسلامی ثمره اراده الهی است که سیاسیون با زمینی و اجتماعی کردن آن، یک سری از شاخصه های کلان آسمانی را از انقلاب اسلامی گرفتند، که ثمره این اجتماعی کردن سیاسیون، دور افتادن نسل جدید از فضای انقلاب است.

■ **هنرمند باید توحید را در جامعه زنده کند و درگیر سیاست زدگی نشود**

وی با تاکید بر اینکه وقتی نخ تسبیح اراده الهی را از انقلاب برداریم چیزی باقی نمی‌ماند و باید خدا را به عنوان گفتمان اصلی جامعه مطرح کرد، اظهار داشت: در حال حاضر در جامعه ما توحید کم شده است و هنرمند باید توحید در جامعه را زنده کند و کار فطری انجام دهد و درگیر حواشی و سیاست زدگی نشود.

این نقاش و مدیر هنری با بیان اینکه هنرمند باید تبیین منطبق با حقیقت داشته باشد نه مبتنی بر تاریخ بیان داشت: تعالی توسط هنر اتفاق خواهد افتاد و در حال حاضر هنرمند انقلاب باید آرمان شهدا را بیان و به دنبال بیدار کردن فطرتها توسط هنر برود.

قدیریان اذعان داشت: هر چه زمان جلوتر میرود نیاز جامعه انقلابی به هنر انقلاب زیاد می‌شود لذا باید شکل، گویش و نگاه هنر انقلاب در دهه های مختلف توسط اهل آن بازخوانی شود.



قطعیّت سیاسی، سازوکار ترکیبی

مهدی جمشیدی

[یکم]. رهبر انقلاب معتقد است که مسئله حجاب، محدودیت «شرعی» و «فانونی» است؛ محدودیت «دولتی» نیست. از این رو، کشف حجاب، هم «حرام شرعی» است، هم «حرام سیاسی» (آیت‌الله‌خامنه‌ای، در دیدار مسئولان نظام، ۱۵/۱/۱۴۰۲). کشف حجاب، از یک سو، خلاف شرع است و بدین جهت، حرام شرعی، و از سوی دیگر، خلاف قانون و بدین جهت، حرام سیاسی. این بیان نشان می‌دهد که در ضرورت و قطعیت حجاب، کمترین تردیدی وجود ندارد و مسأله، قابل تقلیل به سلیقه و پسند نیست. استناد همزمان به شرع و قانون، و صدور حکمت حرمت، حاکی از آن است که مسأله حجاب، قابل مصالحه نیست و باید برای تحقق آن، قاطعانه ایستاد.

[دوم]. رهبر انقلاب تصریح کرده است که امام خمینی، در اولین هفته‌های انقلاب، مسئله حجاب را به‌صورت «الزامی» و «قطعی» بیان کردند؛ جزو کارهای اوایل امام راحل این بود و حالا هم حل خواهد شد (آیت‌الله‌خامنه‌ای، در دیدار مسئولان نظام، ۱۵/۱/۱۴۰۲). این ارجاع تاریخی، نشان‌گر آن است که مسأله حجاب، جزو مسلمات و قطعیات فرهنگی انقلاب است و نباید در برابر آن، عقب‌نشینی کرد. اگر امام خمینی در همان هفته‌های آغازین پیروزی انقلاب، بر این امر هویتی تأکید کرد و آن را طلبید، یعنی امروز نیز به طریق اولی نباید نسبت به آن، تساهل و تسامح داشت.

[سوم]. رهبر انقلاب می‌گوید دشمن با «قشقه» و «برنامه» وارد مسأله حجاب شده و ما هم باید با برنامه و نقشه وارد بشویم؛ یعنی «کارهای بی‌قاعده و بدون برنامه» نباید انجام بگیرد (آیت‌الله‌خامنه‌ای، در دیدار مسئولان نظام، ۱۵/۱/۱۴۰۲). حضور هوشمندانه و مودنیانه دشمن در این مسأله، تقابل هوشمندانه و زیرکانه ما را می‌طلبد و باید با محاسبه و مذاقه و تأمل، واکنش را طراحی کرد. وجود نقشه و برنامه در طراحی دشمن، به این معنی است که دشمن، حساب‌نشده و دفعی، تصمیم‌نگرفت و مدت‌ها پیش، زمینه‌سازی و مقدمه‌چینی کرده بود و عوامل و متغیرهای گوناگونی را در کنار یکدیگر قرار داد تا چنین نتیجه‌ای را به دست آورد. دشمن، قطعه‌هایی را در نظر گرفته بود و به‌صورت نامحسوس، این قطعه‌ها را به‌تدریج در کنار یکدیگر چید و در لحظه نهایی، به غرض خود دست یافت. کنشگری‌های سطحی و محاسبه‌نشده و دفعی، نمی‌توانند راه‌گشا و مولد باشند، بلکه چه‌بسا، دستاویزی را فراهم کنند. البته اینک باید از تعلل‌ها و افعال‌ها و عقب‌نشینی‌ها سخن گفت

و نه از شتابزدگی؛ چون بخشی از زمان، از دست رفته است. [چهارم]. بعضی می‌گویند فضا را امنیتی نکنید؛ ما هم موقعیتم، تا آنجایی که ممکن است، فضای کشور نباید امنیتی بشود؛ اما «کار فرهنگی» در جای خودش قرار دارد و «کار قضائی و امنیتی» هم در جای خودش (آیت‌الله‌خامنه‌ای، ۲۰/۷/۱۴۰۱). نمی‌توان هیچ‌یک از این دو را به نفع دیگری، حذف کرد؛ چون هر یک، در پاسخ به اقتضا و ضرورت خاصی است. پس صدور حکم کلی و بسنده‌کردن به یک سازوکار، خطاست. البته روشن است که همواره، اصالت و تقدّم، از آن مواجهه فرهنگی است و باید کوشید از طریق سازوکارهای نرم و شناختی و تربیتی، به اصلاح اجتماعی پرداخت، اما در بعضی موارد نیز باید به‌ناچار، اقدام‌های سخت و تنبیهی را در دستور کار قرار داد. جامعه، هم تعلیم می‌خواهد و هم تأدیب، هم ایجاب و هم سلب، هم نفی و هم اثبات.

[پنجم]. به باور رهبر انقلاب، خیلی از کسانی که کشف حجاب می‌کنند اگر بدانند که پشت این کاری که می‌کنند چه کسانی هستند، به‌قطع این کار را انجام نمی‌دهند. خیلی از اینها کسانی هستند که اهل دین و تضرع و گریه و دعا هستند، ولی توجه ندارند که چه کسی پشت این سیاست رفع حجاب و مبارزه با حجاب است؛ «دستگاه‌های جاسوسی دشمن»، دنبال این قضیه هستند (آیت‌الله‌خامنه‌ای، در دیدار مسئولان نظام، ۱۵/۱/۱۴۰۲). از این رو، باید این پشت‌صحنه را آشکار و آشکارتر کرد و نشان داد که برخلاف تصور، این مسأله، درون‌خیز و خودجوش نیست و از بیرون، سازمان‌دهی و هدایت می‌شود. عیان‌سازی این پشت‌صحنه، موجبات ریزش جریان کشف حجاب را فراهم می‌کند و معادله را به نفع انقلاب، تغییر می‌دهد. کسانی که نسبت به کشف حجاب، مایل شده‌اند، باید بدانند که در حد عروسک‌های خیمه‌شب‌بازی نیروی بیگانه و معارض، فروکاهیده شده‌اند و این خودشان نیستند که انتخاب کرده‌اند، بلکه آنها برای ایفای نقش ضدفرهنگی، انتخاب شده‌اند و اینک حکم سیاهی لشکر بیگانگان را ایفا می‌کنند. هیچ انتخاب و خواست و اراده‌ای در میان نیست؛ این جریان به‌صورت سازمان‌دهی‌شده، از سوی مراکز امنیتی بیگانه، طراحی شده و هر کسی که در درون آن قرار بگیرد، بداند یا نداند، وجودش را به خدمت هدف‌های بیگانگان گمارده است.

قدرتهای استکبار به صراحت اعلام می‌کردند که نمی‌خواهند بگذارند جمهوری اسلامی از این حادثه‌ی بزرگ، پیروز و سربلند بیرون بیاید، چراکه با پیروزی ایران اسلامی، این فرهنگ مقاومت بود که به عالم صادر می‌شد و این همان تفکر و روحیه‌ای بود که می‌توانست همه‌ی افسونه‌های دیکتاتوری و تجاوز را باطل کند: «ملت مؤمن و انقلابی ایران با اتحاد و استقامت خود توانست جنگ متجاوزانه‌ی رژیم صدام را که از سوی همین آمریکا و انگلیس و بعلاوه‌ی شوروی و بلوک شرق سابق پشتیبانی تسلیحاتی و اطلاعاتی و سیاسی می‌شد، ناکام سازد و دشمن را به پشت مرزهای خود براند. شهرهای ایران سالها از سوی همین صدام حسین ستمگر موشک‌باران و بمباران شد و بر سر جوانان آزاده و فداکارش بمب شیمیایی ریخته شد. ولی مقاومت یک ملت همه‌ی افسونه‌های دیکتاتوری و سرکوبگری و تجاوز باطل می‌کند.» ۱۳۸۲/۰۱/۳۱

■ ملت ایران که مورد تهاجم قرار گرفته بود، در چه وضعیتی به‌سر می‌برد؟

طرف دیگر جنگ تحمیلی، نظام جمهوری اسلامی بود که به تازگی از کوران حوادث انقلابی سال ۵۷ بیرون آمده بود. از سوی دیگر دشمنان حتی از رسیدن کوچک‌ترین امکانات نظامی به ایران نیز جلوگیری می‌کردند: «سیم خاردار می‌خواستیم بیاوریم، غیر از اینکه آن فروشنده نمی‌فروخت، آن کشوری هم که باید این سیم خاردار از داخلش عبور می‌کرد، با ما همراهی نمی‌کرد، اجازه نمی‌داد. یک طرف ما بودیم، یک طرف هم مدرن‌ترین وسایل جنگی آن روز را در اختیار داشت با کمیت بالا.» ۱۳۹۷/۰۷/۰۴ و البته ایران با مشکل مالی نیز دست به گریبان بود: «در سالهای اول، دستمان از اغلب ابزارهای مادی کوتاه بود؛ پول نداشتیم، سلاح نداشتیم، تجربه نداشتیم، سازماندهی نداشتیم، نیروی مسلح کارآمد نداشتیم، ابزارهای جنگی نداشتیم.» ۱۳۹۲/۰۸/۱۲ قدرتها حتی با دریافت دو برابر قیمت هم حاضر به فروش ساده‌ترین سلاح‌ها به ایران نبودند: «قدرتها ساده‌ترین سلاح‌ها را هم حاضر نبودند به ما بفروشند؛ حتی به دو برابر قیمت هم نمی‌فروختند.» ۱۳۸۵/۰۸/۱۹

در شروع جنگ تحمیلی، ایران نه تنها از نظر امکانات دفاعی بلکه از جانب نیروهای نظامی و امکاناتی ارتش هم در فقر بود: «اول جنگ، ما هیچ چیز نداشتیم... دست ما خالی بود، نه ارتش ما امکاناتی داشت، نه سپاه که آن روز اصلاً تشکل درستی نداشت؛ حتی تفنگ انفرادی در دست افراد نبود؛ وسایل ابتدایی یک جنگ حقیقی در اختیار نبود... بعضی از یگانهای یک تیپ ما شاید حدود ده دستگاه تانک در اختیار داشتند؛ یعنی یک دهم آنچه باید داشته باشند. تانکهایشان از بین رفته بود، منهدم شده بود.» ۱۳۸۴/۰۶/۳۱

■ رمز پیروزی قطعی نظام جمهوری اسلامی در جنگ تحمیلی در شرایط نابرابر چه بود؟

در منظر رهبر معظم انقلاب، هشت سال دفاع مقدس، موقعیتی برای ظهور عمق جوهری ابعاد مختلف ملت ایران بود: «دوران دفاع مقدس برای ملت ما ظرفیت و موقعیتی بود که این ملت بتواند اعماق جوهری خودش را در ابعاد مختلف نشان دهد، و نشان داد.» ۱۳۸۴/۰۶/۳۱

در عین حال معظم له دفاع مقدس را یکی از عقلانی‌ترین و مدبرانه‌ترین حرکات ملت ایران می‌دانند: «این دفاع از همان شروع کار یعنی همکاری ارتش و سپاه و انتخاب تاکتیک‌های مبتکرانه و شجاعانه و انجام اقدامات بزرگ و شگفت‌آور در عملیات‌ها تا پایان جنگ و قبول قطعنامه، همه مبتنی بر عقلانیت و تدبیر بود.» ۱۳۹۹/۰۶/۳۱

از جمله مهم‌ترین عوامل این فتح بزرگ، ظهور و پرورش اندیشه‌ی مقاومت و ایستادگی در مقابل قدرتهای مسلط بر عالم است که امروز به عنوان یکی از دستاوردهای انقلاب، به تمام عالم صادر شده است: «ایستادگی هشت‌ساله‌ی جمهوری اسلامی و ملت ایران در دفاع مقدس... نشان داد که توانایی‌های نظامی و امنیتی قدرتهای مسلط بر عالم، قادر نیستند از ایستادگی یک ملت بکاهند یا به آن ضربه بزنند، و این خواهد توانست خودش را بر آنها تحمیل کند، کما اینکه تحمیل کرد.» ۱۳۹۲/۰۶/۱۳

همچنین مدیریت و رهبری شگفت‌انگیز و فوق‌العاده‌ی امام‌خمینی (رحمه‌الله علیه)، به عنوان فرمانده‌ای بی‌نظیر با قاطعیتی فوق‌العاده و متناسب با اقتضای زمان و دشمن‌شناسی دقیق، در مدیریت و هدایت اوضاع تعیین‌کننده بود: «مام در حالات مختلف جنگ، به اقتضای آن حالت، موضع‌گیری میکرد و آن نکته‌ی اصلی را بیان میکرد... یعنی مراقب نبود؛ مثل یک پدر مهربان و مثل یک مدیر قوی و آگاه، مسلط بر عرصه، هر وقتی هر چه لازم بود، از این بزرگوار صادر میشد.» ۱۳۹۹/۰۶/۳۱

علاوه بر اینها عامل مهم دیگر پیروزی ایستادگی برآمده از ایمان ملت ایران بود: «ملت ما با جوانانش، با رزمندگان، با ارتش و سپاه و بسیج مردمیش، با عشایر دلاور، با مردم کوچ و بازارش، با خانواده‌های ایثارگزش، با زنان و مردان آگاه و هوشیارش، با شجاعت و ایمان و توکل بی‌نظیر رهبر عظیم‌الشأنش، توانست در مقابل آمریکا و اروپا و شوروی آن روز و امپراتوری شرق و غرب بایستد و بعد از هشت سال همه‌ی آنها را وادار بکند که به پیروزی ملت ایران و به شکست خودشان اعتراف کنند.» ۱۳۷۰/۰۷/۰۵



مولفه‌های پیروزی ملت ایران در دفاع مقدس چه بود؟

آمنه‌عسکری منفرد

انقلاب شد. ۱۳۸۸/۰۱/۲۶

■ اوضاع طرف مهاجم و شروع‌کننده‌ی جنگ تحمیلی چگونه بود؟

در طول این هشت سال شرایطی نابرابر و نامتقارن بین طرفین جنگ حاکم بود. یک‌طرف قدرت‌های وحشی و ظالم و بی‌خبر از معنویات که با صرف میلیاردها دلار برای جنگ با ایران آمده بود: «میلیاردها دلار خرج کردند... از همه زرادخانه‌های بزرگ دنیا به مرزهایی که با ما می‌جنگید سلاح حمل کردند.» ۱۳۷۲/۰۶/۲۵ و طرف دیگر نظام نوپای جمهوری اسلامی ایران که بدون هیچ پشتوانه‌ی مادی در مقابل تمام استکبار ایستاده بود.

برای پیروزی صدام در این جنگ سخت، آمریکا و متحدانش همه کار کردند: «یکی به صدام ابزار شیمیایی داد، یکی هواپیمای میگ داد، یکی هواپیمای میراژ داد، یکی امکانات ضد هوایی داد، یکی نقشه‌های جنگی داد؛ حتی نقشه‌های جنگی و ساخت سنگرها هم با کمک دیگران بود.» ۱۳۹۵/۰۳/۰۶ کشورهای آلمان و فرانسه و رسانه‌های صهیونیستی از نظر اقتصادی، سیاسی و حتی تبلیغاتی نیز، میدان را در اختیار صدام قرار داده بودند تا صدای مظلومیت ایران و نظام اسلامی به جایی نرسد: «همین کشور فرانسه و همین کشور آلمان و بقیه‌ی کشورها -حالا دیگران به جای خود- بودند که کمک می‌کردند، شوروی آن روز هم از یک طرف. علاوه بر اینها، ما در محاصره‌ی اقتصادی و سیاسی و محاصره‌ی سخت تبلیغاتی هم بودیم؛ یعنی صدای ما واقعاً به هیچ جا نمی‌رسید، رسانه‌های دنیا در مشت صهیونیست‌ها و در اختیار آنها بود، آنهايي که دشمن بودند؛ نه اینکه طرفدار صدام باشند، دشمن نظام اسلامی بودند و هرچه می‌توانستند علیه ما می‌گفتند و صدای ما به جایی نمی‌رسید.» ۱۳۹۷/۰۷/۰۴

هدف آمریکا از تحریک عراق برای جنگ‌افروزی، تحقیر ایران و سرانجام به تسلیم کشاندن نظام اسلامی و ملت مقاوم ایران بود: «می‌خواستند نظام اسلامی را سرنگون کنند. می‌خواستند نظام اسلامی را متهتم به ناتوانی کنند. بگویند: شما نتوانستید؛ مرزهای شما را به هم زدند، شکستند و کشورتان را تجزیه کردند. می‌خواستند با تسلیم نظام جمهوری اسلامی در مقابل استکبار و صهیونیسم، باب مقاومت و دفاع از مظلوم بسته شود. می‌خواستند جمهوری اسلامی، چون می‌بیند که پشت سر عراق، قدرتهای جهانی هستند، برای نرم کردن دل قدرتها، از اصول خود صرف‌نظر کند؛ با سلطه‌های جهانی بسازد؛ در مقابل اسرائیل این‌قدر سرسختی به‌خرج ندهد و در دفاع از مسلمین و از مظلومان، آن‌طور صریح وارد نشود.» ۱۳۷۲/۰۶/۲۵ و برای تحقق این اهداف به دنبال راهی برای از بین بردن نیروهای نظامی ایران، انهدام مراکز حیاتی تولیدی و اقتصادی، حذف نیروهای قهرمان و مؤثر در انقلاب و در یک کلام تسلط همه‌جانبه به ایران و نابودی کامل انقلاب اسلامی بودند: «آمریکا و مزدورانش با خود فکر کردند... اولاً نیروهای نظامی ایران را تحلیل خواهیم برد، ابزار جنگی آنها را مستهلک خواهیم کرد.

ثانیاً مراکز حیاتی و تولیدی و اقتصادی آنها را منهدم خواهیم کرد. پالایشگاهها را منهدم می‌کنیم، نفت و سوخت، راه‌آهن، ارتباطات و مخابرات را می‌گیریم، زنده‌ترین عناصر رزمنده‌ی قهرمان را می‌گیریم و امور جمهوری اسلامی را متلاشی می‌کنیم.» ۱۳۵۹/۰۷/۰۴ در واقع امر، دشمنان مستکبر به دنبال نابودی اصل انقلاب بودند: «بحث اصل حکومت بود، اصل انقلاب بود؛ می‌خواستند انقلاب را نابود کنند.» ۱۳۹۶/۱۲/۱۹ پس با تمام توان خود برای حمایت از صدام به میدان مبارزه وارد شدند و همین امر باعث طولانی شدن سالهای جنگ شد: «اغری‌ها [کمک موشکی، کمک بیولوژیکی -به‌اصطلاح کمک بمبهای شیمیایی... نقشه‌ی نظامی به او [صدام] دادند و همه‌جور کمک کردند؛ آبه خاطر این! جنگ هم هشت سال طول کشید!» ۱۳۹۵/۰۴/۱۲

«خط رهبری» به مناسبت ایام هفته‌ی گرامیداشت دفاع مقدس در این یادداشت براساس بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی، اهداف دشمنان در جنگ علیه ایران، شرایط نابرابر امکانات مادی طرفین درگیری و عوامل و مولفه‌های قدرت و پیروزی‌آفرین برای ملت ایران و جمهوری اسلامی را بررسی و تبیین کرده است.

■ اهداف دشمن از شروع جنگ تحمیلی علیه ایران

در روز ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ در حالی که کمتر از دو سال از پیروزی انقلابی اسلامی ایران می‌گذشت، وقتی تلاش دشمنان نظام اسلامی برای برهم زدن ثبات سیاسی و امنیت ایران مؤثر واقع نشد، به دنبال راهی برای برهم زدن امنیت ملی برآمدند: «دشمنان ما بارها کوشش کردند که با شیوه‌های گوناگون، این ثبات سیاسی را به هم بزنند. در اول انقلاب، با ایجاد درگیری‌های قومیتی در شرق و غرب کشور، شمال و جنوب کشور، سعی کردند نگذارند انقلاب اسلامی به آرامش دست پیدا کند و کشور را از تلاطم انقلاب بیرون بیاورد؛ اما موفق نشدند.» ۱۳۹۱/۰۷/۲۴ پس با تحریک آنها، ارتش عراق از مرزهای غرب و جنوب و حمله هوایی به چند فرودگاه ایران، جنگ تحمیلی ۸ ساله علیه ایران را آغاز کرد.

معرکه عظیم دفاع مقدس جنگ بین دو کشور همسایه نبود بلکه یک جنگ عمومی و بین‌المللی علیه ملت ایران بود که علاوه بر دو قدرت شرق و غرب عالم، از طرف آمریکا و ناتو نیز حمایت و هدایت می‌شد: «در دفاع مقدس فقط رژیم بعثی صدام نبود که در مقابل ما قرار گرفته بود، در حقیقت یک جنگ عمومی و بین‌المللی علیه ملت ایران بود؛ ناتو، آمریکا و شوروی آن‌روز کمک می‌کردند؛ ارتجاع عرب کمکهای مادی و دلارهای نفتی خود را، مثل سیل، به‌سمت آنها سرازیر می‌کرد؛ تبلیغاتشان در همه‌ی دنیا، شب و روز به نفع آنها و علیه جمهوری اسلامی ایران تلاش می‌کرد.» ۱۳۹۵/۰۷/۰۷ این نقشه‌ی استکبار جهانی بود برای مقابله‌ی غرق‌شدگان در لجنزار مادیت با یک نهال نوروییده‌ی انقلابی و مردمی در سرزمین معنویت: «نقشه‌ی استکبار از روز اول این بود که در این دنیایی که همه‌ی ماده‌پرستان عالم، همه‌ی غرق‌شدگان در لجنزار مادیت، صهیونیست‌ها و دیگران دست‌به‌دست هم داده بودند و یک دنیای مادی محض درست کرده بودند که روزبه‌روز از معنویات دور میشد، سعی داشتند یک نهالی را که از سرزمین معنوی روییده با میوه‌های بشارت‌دهنده‌ی معنویت بکنند، این را قلع کنند، ریشه‌کن کنند.» ۱۳۹۷/۰۷/۰۴ بنابراین همه‌ی دنیای کفر و استکبار با تمام قوا و ابزار، آماده‌ی کمک به صدام شدند: «پول بود، سلاح بود، تجهیزات بود، تاکتیک بود، خبر ماهواره‌یی بود.» ۱۳۷۰/۰۶/۱۷

در حقیقت این جنگ، جنگ با حاکمیت اسلام و انقلاب بود، جنگی فراتر از جنگ‌های مرسوم در دنیا: «[نباید] تصور بشود، فقط یک جنگی بود مثل جنگهایی که بقیه دارند در دنیا می‌کنند. قضیه‌ی دین، آرمان الهی، حاکمیت اسلام و انقلاب بود، اسلام انقلابی بود.» ۱۳۹۵/۰۷/۰۵

در جنگ تحمیلی هدف دشمن، تنها تصرف مرزهای مشترک نبود، آنها اصل انقلاب و تمامیت ارضی ایران اسلامی را نشانه رفته بودند تا از این طریق، حرکت نوپای جمهوری اسلامی را در ابتدای راه از پای درآورند: «در دوران دفاع مقدس همه‌چیز کشور مورد تهاجم قرار گرفت؛ نه فقط مرزهای کشور، بلکه هویت ملی کشور، نظام اسلامی کشور، انقلاب بزرگ ملت ایران، ارزشهای فراوانی که این ملت بزرگ در مقابل چشم خود قرار داده بود، همه مورد تهاجم قرار گرفت.» ۱۳۹۵/۰۷/۰۷ بسیار مهمی برای بروز روحیه‌ی اسلامی و انقلابی در ملت و شعله‌ورتر شدن نیروی انقلاب شد: «جنگ تحمیلی را دشمن برای خاموش کردن انقلاب به راه انداخت، اما همین جنگ تحمیلی باعث شعله‌ورتر شدن نیروی انقلاب و روحیه‌ی

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: محمد جواد اهووی
زیر نظر شورای سردبیری

عکس: طه اهووی | گرافیکست و صفحه آرا: سارا کولیوند
روابط عمومی: جهانگیر توسلی | ناظر هنری: محمدرضا مهدیانی
تلفن: ۰۲۱۸۱۶۵۲۵۱۸ - ۰۹۹۳۳۲۴۱۶۳۴ | آگهی‌ها: ۰۲۱۸۱۶۵۲۵۱۸
نشانی: بلوار کشاورز - خیابان عبدالته زاده - کوچه زیبا - پلاک ۴۴ - واحد ۵
چاپ: صمیم - ۴۴۵۸۲۸۴

FAZAMAJAZI
@ASREGANOON
@ASREGANOON



منزل قدیمی خالق قصه‌های مجید («خانه قصه») می‌شود

نویسنده «شما که غریبه نیستید» سال‌ها پیش، بیش از ۲ دهه در این منزل زندگی کرده بود، خانه‌ای که به گفته او بیش از ۸۰ سال از زمان ساخت آن می‌گذرد.

مولفه‌های پیروزی ملت ایران در دفاع مقدس چه بود؟

معرکه عظیم دفاع مقدس جنگ بین دو کشور همسایه نبود بلکه یک جنگ عمومی و بین‌المللی علیه ملت ایران بود که علاوه بر دو قدرت شرق و غرب عالم، از طرف آمریکا و ناتو نیز حمایت و هدایت می‌شد.



در جایی که نصیحت و پند دادن اثر دارد...

پند ده!

(آیه ۹ سوره املی)

تلاش ۳+۱ برای تعلیق فوتبال اشغالگران

اشرف رامین



طی نامه‌ای رسمی از فیفا خواست همه باشگاه‌ها و تیم‌های وابسته به اشغالگران را در واکنش به نقض بی‌سابقه حقوق بشر در نوار غزه تحریم کند. اتحادیه فوتبال این کشور در نامه خود تأکید داشت از زمان آغاز جنگ غزه صهیونیست‌ها علاوه بر تخریب اماکن ورزشی، ۹۹ فوتبالیست فلسطین را نیز به شهادت رسانده‌اند. نقض تمامی قوانین بین‌المللی فیفا از سوی اسرائیل در حالی است که فدراسیون جهانی عملاً نسبت به این رفتارها و نسل‌کشی‌های مداوم واکنشی نشان نمی‌دهد و تیم‌های اسرائیلی در مسابقات بین‌المللی حضور دارند. نامه فدراسیون فلسطین ۱۱ مارس به فیفا ارسال شد و این نامه مورد حمایت فدراسیون کشورمان نیز قرار گرفت. پس از آن اعلام شد وکلای مستقل حقوق بین‌الملل و حقوق بشر فجایع مرتبط با فوتبال را بررسی کردند و آن را به اطلاع فیفا رساندند، اما همانطور که انتظار می‌رفت فیفا با تعلیق و حذف اشغالگران موافقت نکرد.

فدراسیون فوتبال ایران در تلاش است با همکاری فدراسیون سه کشور دیگر مسلمان، فیفا را وادار به تعلیق فوتبال رژیم اشغالگر قدس کند. سال‌هاست که نهادهای ورزشی چشم خود را روی جنایت‌های رژیم صهیونیستی بسته و هر بار هم برای توجیه انفعال خود بهانه‌های واهی مطرح می‌کنند. جنایتکاران با حمایت‌های جهانی همچنان در غزه و لبنان به جنایت‌های خود ادامه می‌دهند و هر روز بر تعداد شهدا و زخمی‌ها اضافه می‌شود. حال آنکه فدراسیون بین‌المللی فوتبال باینکه به دیگر، حواشی اهمیت زیادی می‌دهد و با جدیت آن‌ها را پیگیری می‌کند، اما توجیهی به جنایت‌های صهیونیست‌ها ندارد! فیفا پیش از این درخواست تعلیق فدراسیون فوتبال رژیم اشغالگر را رد کرده بود. منتها فدراسیون کشورمان و حامیانش دست از تلاش برنداشته و همچنان تا رسیدن به هدف خود روی مواضع خود پافشاری می‌کنند. نشست چهار جانبه رؤسای فدراسیون‌های فوتبال ایران، لبنان، فلسطین و الجزایر به همت مهدی تاج برگزار شد و طرفین با تهیه نامه مشترک خواستار تعلیق عضویت رژیم اشغالگر قدس از سوی فیفا شدند. تا قبل از این کشورهای فلسطین، عربستان، قطر، امارات، عراق، بحرین، کویت، لبنان، عمان، سوریه، ایران و یمن خواستار حذف صهیونیست‌ها در فیفا شده بودند. فدراسیون جهانی فوتبال هم که با موج تازه‌ای از اعتراضات مواجه شده است طی بیانیه‌ای رسمی از بررسی مجدد درخواست تعلیق فوتبال اسرائیل خبر داده است: «این نهاد درخواست فدراسیون فوتبال فلسطین (PFA) برای تعلیق تیم ملی و باشگاه‌های اسرائیلی از رقابت‌های بین‌المللی را در سوم اکتبر (۱۲ مهر) بررسی خواهد کرد.» در نخستین روزهای امسال بود که فدراسیون فوتبال فلسطین

مدال آوری قهرمانان، ورزش همگانی را در کشور به حرکت در می‌آورد

هادی ساعی؛ رئیس فدراسیون تکواندو جمهوری اسلامی ایران؛ مردم ما خیلی قدرشناسند. ورزشکارهایشان را دوست دارند و به آن‌ها احترام می‌گذارند و اهمیت می‌دهند. و به نظر من، این بهترین سرمایه ورزشکارها است. ما روی همه چیز کار کردیم؛ فقط روی فیزیک بچه‌ها یا روی تکنیک و تاکتیکشان کار نکردیم؛ حتی در بحث زندگی شخصی بچه‌ها هم کمکشان کردیم، کنارشان بودیم، راهنمایی‌شان کردیم. ما امسال، در المپیک، کلاً چند مدال گرفتیم؟ دوازده مدال؛ خب هر کدام از این دستگاه‌های بزرگ، یک نفر از آن دوازده نفر را استخدام کنند. نمی‌گوییم پول الکی به این‌ها بدهند، بلکه می‌گوییم استخدام و بیمه‌شان کنند؛ تا این ورزشکار، فردا که از دوره‌ی قهرمانی خداحافظی کرد، مثل یک آدم عادی برود سر کارش. واقعاً این خواسته زیادی نیست، قانونش هم وجود دارد.

کیت آسیایی پرسپولیس تایید شد

با موفقیت کنفدراسیون فوتبال آسیا؛ کیت آسیایی پرسپولیس تایید شد
اطلاعیه باشگاه پرسپولیس: در بازی با الاهلی عربستان از روز نخست لیگ نخبگان آسیا، سرخپوشان ایران با توجه به نقطه نظرات مسوولان برگزاری مسابقات، از پیراهنی استفاده کردند که یک تغییر نسبت به کیت معرفی شده داشت و بر اساس آن، نقش کاخ آپادانا در تخت جمشید که پایین لباس قرار دارد، حذف شده بود.
پس از مخالفت صورت گرفته، باشگاه پرسپولیس در رایزنی و مذاکره با کنفدراسیون فوتبال آسیا موفق شد تاییدیه لباس را بگیرد. پیراهن پرسپولیس برای بازی با پاختاکور در حال آماده شدن است و طبق طراحی قبلی خواهد بود و برای بازی دوم طرح تخت جمشید به کیت بازگشته است. البته با توجه به استانداردهای اعلامی از سوی کنفدراسیون، ابعاد آن تغییر کرده است.

ورزش منتظر اجرای دستور رهبر معظم انقلاب

شیوانوروزی



سال‌های گذشته ورزشکاران زیادی به دلیل همین غفلت‌ها کشور را ترک کرده‌اند، در حالی که دل و جان‌شان با ایران بوده و هست، ولی کم‌کاری‌ها و غفلت مسئولان ورزش در رسیدگی به امور آن‌ها کاری کرده که کارده به استخوان‌شان رسیده و به ناچار جلای وطن کرده‌اند.

احمد دنیامالی، وزیر ورزش و جوانان در همین ابتدای کار از توجه ویژه به ورزشکاران حرف می‌زند و می‌گوید: «ورزش حوزه شوخی‌برداری نیست. باید مسائل را جدی بگیریم و به ورزشکاران توجه کنیم تا کشور را ترک نکنند.» بیان این حرف از زبان وزیر ورزش نشان‌دهنده آن است که دنیامالی با توجه به سوابق ورزشی و حضور در رده مسئولان بالای ورزش کشور با مشکلات و درد و رنج‌های ورزشکاران کاملاً آشناست، اما همه خوب می‌دانیم که صرف این آشنایی و بیان این حرف‌ها دردی از ورزشکار دوانمی‌کند.

قبلاً هم مسئولانی داشته‌ایم که اتفاقاً سوابق ورزشی هم داشتند، اما تمام کارشان در همان ایراد حرف‌های قشنگ خلاصه شد و عملکرد ضعیف‌شان به‌گونه‌ای بود که شاهد کوچ ورزشکاران بودیم و وزیر ورزش جدید ابتدای راه است. آنچه از دنیامالی در همین مدت زمان کوتاه مشاهده شده است، نوید روزهای خوبی را می‌دهد. اینکه او تقصیر کم و کاستی‌ها را به گردن مدیران و مسئولان قبلی نینداخته و از کار کردن و حرکت رو به جلو حرف می‌زند، خود نشانه صداقت و درستی اوست. پس امیدواریم دنیامالی و مدیران زیردستش فرمان رهبر انقلاب را اجرا کنند و برخلاف راه و رسم مسئولان قبلی ورزش فقط آن را تکرار نکنند و با رسیدگی بیشتر و بهتر به ورزشکاران

رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با ورزشکاران المپیک و پارالمپیک اشاره مستقیمی به لزوم توجه مسئولان ورزش کشور به وضعیت معیشتی و رسیدگی به ورزشکاران داشتند. ایشان صراحتاً فرمودند: «یک مطلب و توصیه به مسئولان دولتی، عدم غفلت از آن ورزشکاری است که به‌خاطر آرمان ملی یا آرمان مذهبی خودش هزینه پرداخت می‌کند. ورزشکار ما با طرف صهیونیست مسابقه نمی‌دهد، با او بازی نمی‌کند و به خاطر این، هزینه پرداخت می‌کند. ما نباید غفلت کنیم از حال این ورزشکار. این به نظر من یکی از وظایف مهم مسئولان ورزشی است. توصیه دیگر مسئله معیشت ورزشکارهاست؛ مسئله معیشت‌شان، مسئله اشتغال‌شان، نیازهای ورزشی‌شان که توجه به این‌ها در حد توان دولت لازم است. آقای وزیر وعده‌های زیادی دادند، ان‌شاءالله که بتوانند این وعده‌ها را هم به‌وقت عمل بکنند.»

ایشان به نکته ظریف و قابل توجهی اشاره کردند. سال‌هاست که وقتی از توجه به ورزشکاران حرف زده می‌شود همه مسائل مالی را به یاد می‌آورند که البته بسیار هم مهم است و هیچ‌گاه با وجود سروصدای زیاد و وعده‌و وعیدهای آنچنانی به درستی اجرا نشده است، اما نگاه دقیق مقام معظم رهبری به نکته‌ای فراتر از این‌ها اشاره دارد و آن نیست، مگر مسئله اشتغال ورزشکاران و نیازها و الزامات ورزشی آن‌ها برای رسیدن به آمادگی مطلق.

حالا ۱۰ روز از دستور و توصیه ایشان به مسئولان ورزش می‌گذرد. طبق معمول حرف‌های زیادی زده شده و تحلیل‌های زیادی هم صورت گرفته است، اما آقایان مسئول مثل همیشه یادشان رفته که دستور را باید اجرا کرد، نه تحلیل و بررسی! در

دیگر شاهد ترک کشور از جانب آن‌ها نباشیم. بدون تردید ورزش و ورزشکاران منتظر اجرایی شدن فرمان رهبر انقلاب در خصوص توجه و رسیدگی به آن‌ها هستند و این امید با نگاه وزیر ورزش می‌تواند محقق شود.